

## بررسی اخلاق و محافظه کاری حسابداری در بانک های اسلامی

مهدی میرمعصومی<sup>۱\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

### چکیده

این پژوهش به بررسی این موضوع می پردازد که آیا بانک های اسلامی با احتمال بیشتری نسبت به بانک های متعارف در گزارشگری مالی خود محافظه کارند، و همچنین اینکه چگونه سیستم حاکمیت شرکتی منحصر به فرد بانک های اسلامی، رفتارهای محافظه کاری حسابداری را تحت تاثیر قرار می دهد. با استفاده از نمونه ای بزرگ از بانک های اسلامی و بانک های غیر اسلامی مطابق آنها؛ براساس مجموع دارایی ها و موقعیت جغرافیایی در ۱۵ کشور، ما دریافتیم که بانک های اسلامی بیشتر احتمال دارد که به ترتیب از طریق روش های اجتناب از زیان، ذخیره زیان وام غیر معمول و نمره C، محافظه کاری حسابداری را گسترش دهند. بانک های اسلامی بسته به ویژگی های مدل های مختلف بانکی، حدود ۹۵ درصد احتمال بیشتری دارند که در شیوه های حسابداری نسبت به بانکداری متعارف، محافظه کارتر باشند. علاوه بر این، چند مورد از ویژگی های هیئت مدیره مانند اندازه، استقلال، شهرت، مالکیت (اشتغال) و تنوع از عوامل تعیین کننده مهم در محافظه کاری حسابداری در بانک های اسلامی هستند. این رابطه نشان می دهد که ویژگی های خاص هیئت مدیره، منجر به نقش نظارتی بیشتر، در نتیجه کاهش رفتار غیر اخلاقی و افزایش میزان محافظه کاری در شیوه های حسابداری می شود.

### واژگان کلیدی

حسابداری، اخلاق، بانک، محافظه کاری

۱. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی شمیم دانش نوین، اردبیل، ایران.

## ۱. مقدمه

با توجه به تاثیرات بد مدیران شرکت‌ها به دلیل رفتارهای ضد اخلاقی (مثلا Enron، Adelphia و WorldCom) و تصویب قانون SOX در سال ۲۰۰۲، محققان توجه بیشتری به حاکمیت شرکتی می‌کنند. به ویژه، تدوین کنندگان، متخصصان و دانشگاهیان برای ارائه روش‌های حسابداری پیشرفته‌تر، از جمله روش‌های محافظه کارانه، تحت فشار بیشتری هستند. شیوه‌های حسابداری محافظه کارانه ممکن است صحت صورت‌های مالی را بهبود بخشد و بنابراین اعتماد عمومی و اعتماد به سیستم‌های حسابداری مالی را دوباره به دست آورد. محافظه‌کاری حسابداری به عنوان «سیاست‌ها یا گرایش‌های حسابداری که منجر به کاهش تاثیر ارزش‌داری خالص حسابداری نسبت به ارزش‌داری‌های خالص اقتصادی می‌شود، تعریف شده است» (راچ و تیلور<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵).

مدیران اجرایی می‌توانند دو نوع محافظه‌کاری حسابداری را پیاده‌سازی کنند: مشروط یا غیرمشروط (بیور و رایان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). برخلاف محافظه‌کاری غیرشرطی، محافظه‌کاری شرطی به رویدادهای خبری اقتصادی بستگی دارد. محافظه‌کاری مشروط به شناسایی به موقع اخبار منفی به اخبار مثبت رویدادهای اقتصادی در سود حسابداری اشاره دارد (به عنوان مثال نقص حسن‌نیت، عدم تقارن در احتمالات سود و یا زیان، نقص طولانی‌مدت‌داری و موجودی ثبت‌شده در هزینه یا بازار پایین‌تر). محافظه‌کاری غیرشرطی از طریق ثبات ثبت ارزش‌های دفتری پایین‌داری‌های خالص نسبت به ارزش‌های منصفانه آن‌ها رخ می‌دهد (به عنوان مثال هزینه‌های فوری تحقیق و توسعه، روش‌های استهلاک تسریع شده، اندوخته هزینه‌های بدهی بد و اندوخته وارانته) (روچ و تیلور، ۲۰۱۵).

مطالب موجود بر بانک‌های تجاری (از این پس، CBها) و محافظه‌کاری حسابداری آن‌ها تمرکز دارد. با این حال، این مقاله به مقایسه محافظه‌کاری حسابداری بین بانک‌های اسلامی (از این پس، IBها) و بانک‌های تجاری می‌پردازد و پیچیدگی IBها را در فعالیتهای حسابداری به دلیل ماهیت متمایز آن‌ها تجزیه و تحلیل می‌کند. بانک‌های اسلامی، بانکداری بدون بهره هستند و تراکنش‌های بانکی آن‌ها مبتنی بر حالت‌های مختلف تامین مالی به اشتراک‌گذاری تعهدات پرداخت با ارقام تعهدی درآمد می‌باشند که منابع اصلی بی‌ثباتی در یک بازار آزاد را از بین می‌برد. تا کنون، ماهیت متمایز آن‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها باید از محافظه‌کاری حسابداری دقیق پیروی کنند (کوتیناه<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲).

برای درک بهتر تاثیرات مذهب بر رفتارهای حسابداری، ما نیاز به تجزیه و تحلیل محیط‌هایی داریم که می‌توانند تصمیمات حسابداری را تحت تاثیر قرار دهند. فرهنگ بر فعالیتهای حسابداری تاثیر می‌گذارد (عسکری و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). سولل<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) اشاره می‌کند که پاسخگویی مالی حتی زمانی بهتر می‌شود که حسابداری به عنوان بخشی از ارزش‌های فرهنگی در نظر گرفته شود نه فقط بخشی از یک معامله تجاری. از نظر تاریخی، مذهب نقش مهمی در شکل‌دهی و تاثیر گذاری بر ارزش‌های فرهنگی مانند انصاف و صداقت دارد (لوئیس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱). لوئیس استدلال می‌کند که اگر فرهنگ واقعا چنین تاثیری داشته باشد، آنگاه مذهبی که بر ارزش‌های فرهنگی تاثیر می‌گذارد بر فعالیتهای حسابداری تاثیر می‌گذارد. ماچ<sup>۷</sup> (۲۰۱۶) به بررسی تاثیر مذهب بر متون حسابداری اسکاتلند در قرن هجدهم با استفاده از

<sup>1</sup> Rach & Taylor

<sup>2</sup> Beaver & Ryan

<sup>3</sup> Kutinah

<sup>4</sup> Askari et al

<sup>5</sup> Soll

<sup>6</sup> Lois

<sup>7</sup> Match

یک نمونه از پنج واحد اداری کلیسای اسکاتلند می‌پردازد. او اشاره می‌کند که فعالیت‌های حسابداری به طور گسترده‌ای توسط زمینه مذهبی کلیسای اسکاتلند شکل می‌گیرند.

بنابراین، شریعت بر رابطه مدیر با نماینده مبتنی بر تبدیل پول نقد به دارایی که ممکن است در آینده کم و بیش ارزش داشته باشد، که از اهمیت زیادی برخوردار است و منبع سود یا زیان است، تاثیر می‌گذارد. از این رو، بیشتر بانک‌های اسلامی به دلیل پایبندی شدید به قوانین مربوط به آنچه که بانک‌های محصولات و خدمات ارائه می‌دهند، به صورت نقدی غنی هستند (کوتینا، ۲۰۱۲). چنین پایبندی شدیدی همچنین در رفتار حسابداری منعکس می‌شود (کوتینا و همکاران، ۲۰۱۳). از این رو، شدت پایبندی به شریعت که سنگ بنای هدایت تجارت و معاملات مالی در بانک‌های اسلامی می‌باشد، تفاوت در محافظه کاری حسابداری بین بانک‌های اسلامی و بانک‌های تجاری را نشان می‌دهد.

از آنجا که شریعت یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده حاکمیت داخلی برای بانک‌های اسلامی است، این پژوهش دو سوال را مطرح می‌کند. اول اینکه، آیا بانک‌های اسلامی در گزارش حسابداری خود در مقایسه با بانک‌های تجاری محافظه کارتر هستند؟ دوم اینکه، آیا ویژگی‌های هیات‌مدیره مانند اندازه، شهرت، دوره تصدی و تنوع فعالیت‌های حسابرسی محافظه کارانه را در بانک‌های اسلامی افزایش می‌دهند؟

پس از مطالعات قبلی مانند فرانسویس و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۳)، لنتیس و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۱۳)، طالب نیا و جوانمرد<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۱)، گارسیا و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۹) و لافوند و واتس<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۸)، از سه نماینده برای اندازه‌گیری محافظه کاری حسابداری در صنعت بانکداری استفاده می‌کنیم: زیان‌گریزی، عدم پرداخت وام غیرعادی و مقررات وام. ما ویژگی‌های اصلی بانک، اندازه، فرصت‌های رشد، تغییر در جریان نقدی و اندوخته زیان‌های وام را کنترل می‌کنیم که همه آن‌ها ممکن است بر محافظه کاری حسابداری تاثیر بگذارند. علاوه بر این، ما تفاوت‌های بالقوه ریسک بین بانک‌های اسلامی و بانک‌های تجاری را کنترل می‌کنیم (کوتینا و آلموتایری<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۷). بانک‌های تجاری و بانک‌های اسلامی انواع مختلفی از وام‌ها و دیگر ساختارهای پرتفوی دارایی را در اختیار دارند؛ بنابراین آن‌ها می‌توانند انگیزه‌های متفاوتی برای افزایش و یا کاهش برخی از رفتارهای حسابداری داشته باشند. ما همچنین اثرات کشور و اثرات سال را کنترل می‌کنیم که به احتمال زیاد بر روی محافظه کاری حسابداری تاثیر می‌گذارند.

بر اساس نمونه‌ای از ۳۷۷۲ مشاهده سال بانکی از ۸۲ بانک‌های اسلامی و ۸۲ بانک‌های تجاری در ۱۵ کشور بین سالهای ۱۹۹۳ و ۲۰۱۵، ما دریافتیم که بانک‌های اسلامی در فعالیت‌های حسابداری خود در مقایسه با بانک‌های تجاری محافظه کارانه‌تر هستند. در واقع، ما نشان می‌دهیم که بانک‌های اسلامی در حدود ۹۵ درصد بیشتر از همتایان خود، بسته به مشخصات مختلف مدل در فعالیت‌های حسابداری محافظه کارانه هستند. این نتیجه پس از تنظیم برای اثرات کشور و سال برقرار بوده و برای شمول متغیرهای کنترل مختلف (سطح خرد و سطح کلان) قوی می‌باشد. علاوه بر این، اجتناب از اتلاف متوسط برای بانک‌های اسلامی در مقایسه با ۳۰ درصد برای بانک‌های تجاری، ۲۶ درصد است. ارائه وام با زیان غیرعادی برای بانک‌های اسلامی در مقایسه با ۰/۳ درصد برای بانک‌های تجاری، ۰/۱ درصد است. با این وجود،

<sup>8</sup> Francis et al

<sup>9</sup> Lentis et al

<sup>10</sup> Talebania & Jawanmard

<sup>11</sup> Garcia et al

<sup>12</sup> Lafond & Watts

<sup>13</sup> Kutina & Almutairi

میانگین امتیاز C برای بانک‌های اسلامی ۹ درصد و میانگین امتیاز C برای بانک‌های تجاری ۵ درصد می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی استانداردهای اخلاقی بیشتری دارند که منجر به محافظه‌کاری بالاتر حسابداری می‌شود. آن‌ها همچنین نشان می‌دهند که شریعت به طور موثر رفتارهای غیراخلاقی را در میان مدیران بانک اسلامی محدود می‌کند. ما همچنین چندین ویژگی هیات‌مدیره مانند اندازه، استقلال، شهرت، دوره تصدی و تنوع را گزارش می‌کنیم که عوامل مهم تعیین‌کننده محافظه‌کاری حسابداری در بانک‌های اسلامی هستند. به عنوان مثال رابطه بین زیان‌گریزی و LLPها غیرعادی (امتیاز C)، و ویژگی‌های هیات‌مدیره منفی (مثبت) می‌باشد. این رابطه نشان می‌دهد که ویژگی‌های خاص هیات‌مدیره منجر به نظارت بیشتر، در نتیجه کاهش رفتار غیر اخلاقی و افزایش درجه محافظه‌کاری در فعالیت‌های حسابداری می‌شود. ادامه پژوهش به صورت زیر سازماندهی شده است. بخش ۲ مطالب موجود را بررسی می‌کند و فرضیه‌های تحقیق را توسعه می‌دهد. بخش ۳ جمع‌آوری داده‌ها، روش‌های انتخاب نمونه و مدل‌های تجربی را توصیف می‌کند. نتایج اصلی و قوی تجربی در بخش ۴ ارائه شده است. خلاصه و نتیجه‌گیری اصلی در بخش ۵ ارائه شده است.

## ۲. ادبیات و توسعه فرضیه‌ها

### ۲-۱. ویژگی‌های بانک‌ها

صنعت بانکداری قانونگذارترین صنعت در جهان بوده و بر خلاف سایر صنایع می‌باشد. به عنوان مثال ساختارهای حکومتی آن ویژگی‌های منحصر به فرد متعددی دارند که می‌توانند مشکلات نمایندگی را بزرگ کنند. بانک‌ها کم‌تر از شرکت‌های غیرمالی قابل رویت هستند که مشکلات نمایندگی را نیز تشدید می‌کند (کاپریو جی آر و لوینه<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۲). به خاطر اینکه عدم تقارن اطلاعات زیاد در میان سرمایه‌گذارها موجود می‌باشد.

انتخاب معکوس در بانک‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که برنامه‌های بیمه سپرده در نظر گرفته شده برای حفاظت از منافع سپرده‌گذاران کوچک در واقع منجر به خطرات اخلاقی می‌شود. این برنامه‌ها ممکن است مدیران را تشویق کنند تا در فعالیت‌های غیراخلاقی یا پروژه‌های پرمخاطره مشارکت کنند. بر خلاف اعتباردهندگان که تخصص و مهارت لازم برای ارزیابی محصولات و خدمات بانکی را دارند و بنابراین در نظارت بر مدیران بانک بهتر هستند، سپرده‌گذاران کوچک چنین مزایایی ندارند. در واقع، طرح‌های بیمه سپرده ممکن است به مدیران انگیزه دهد که کم‌تر بر قرض گرفتن تکیه کنند. بنابراین، مدیران ممکن است بیشتر بر سپرده‌گذاران بیمه‌شده نظارت داشته باشند تا بستانکاران بیمه‌شده، که می‌توانند بانک‌های خود را در معرض خطرات دادخواهی قرار دهند. بستانکاران می‌توانند از مدیران بانک برای سوء مدیریت و سوء رفتار شکایت کنند (پترین<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۲).

علاوه بر این، بانک‌ها به شدت تحت نفوذ بخش قابل توجهی از بدهی‌های خود شامل سپرده‌های نقدی هستند. از سوی دیگر، دارایی‌های غیرنقدی بانک‌ها ممکن است در مواجهه با ادعاهای بستانکاران شکست بخورد و خطرات قابل توجهی را برای دارندگان بدهی ایجاد کند (هرمانز<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۷). علاوه بر این، شهرت و اعتبار صنعت بانکداری بسیار مهم‌تر از سایر صنایع می‌باشد. این به این دلیل است که بانک‌ها تعداد زیادی از خدمات نامشهود را ارائه می‌دهند و عملیات مالی

<sup>14</sup> Caprio JR & Levine

<sup>15</sup> Petrin

<sup>16</sup> Hermans

را در درجه اول براساس اعتماد انجام می دهند (استنزفیلد<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۶؛ تروتا و کاوالرو<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۲). بانک ها نیز مانند سایر کسب و کارها در معرض شوک های ناشی از چندین ریسک (به عنوان مثال اعتبار، ورشکستگی، دعوی قضایی، تقلب و بازار) قرار دارند. با این حال اگر یک یا چند بانک در معرض هر یک از این ریسک ها قرار گیرند، کل صنعت بانکداری ممکن است تحت تاثیر قرار گیرد و بازار مالی به طور کلی نیز می تواند تحت تاثیر قرار گیرد. اگر این اثر شیوع یابد، اعتماد عمومی و اعتماد به نفس در صنعت بانکی ممکن است بر باد برود.

از سوی دیگر با توجه به انجمن بین المللی بانک های اسلامی (IAIBها)، سودمندی در بانک های اسلامی با تبدیل پول نقد به دارایی اندازه گیری می شود. حتی اگر ارزش زمانی پول از دست برود، مفهوم ایجاد اجاره در سرمایه از دست می رود و هدایت مذهبی سختگیرانه، ربا (بهره) و غرر (عدم قطعیت بیش از حد، فریب یا ریسک پذیری) را ممنوع می سازد. به عنوان مثال علاقه به اعتبارات و پیشرفت های نقدی که باعث ایجاد طبقه مستاجر در جامعه می شود، ممنوع می باشد (کوتینا، ۲۰۱۲). علی رغم اینکه بانک های اسلامی صنعتی بسیار تنظیم شده در آن عمل می کنند، جنبه نظارتی مهم دیگر مکانیزم های حاکمیت داخلی مذهبی بوده که به بانک ها اجازه می دهد تا خودشان را سازگار شریعت بنامند. ویژگی ها و مفاهیمی که توسط آن ها بانک های اسلامی معاملات خود را اداره می کنند تحت نظارت قراردادها هستند که بدون بهره هستند. پرداخت های بهره ای به عنوان بازگشت معاملات شامل تبادلی های مشابه تعریف می شوند (به عنوان مثال پول برای پول با حق بیمه یا کاهش مبتنی بر زمان). توجه داشته باشید که به همان اندازه که این مفاهیم در یک زمینه سنتی غیرمعمول به نظر می رسند، بسیاری از مزایای کاربردی محصولات بانکداری تجاری را می توان در معاملات سازگار شریعت فراهم کرد. با این حال، تعداد کمی از معاملات بانک های تجاری مانند معاملات آینده، مشتقات و دیگر معاملات که شامل ریسک پذیری و قمار می باشند، ممنوع هستند. بنابراین، بانک های اسلامی دارایی های نقدی زیادی، به ویژه پول نقد دارند (کوتینا، ۲۰۱۲).

## ۲-۲. محافظه کاری حسابداری

به طور سنتی، حسابداران محافظه کاری را با پیروی از قاعده «پیش بینی همه زیان ها اما گزارش هیچ سودی» بیان می کنند. محافظه کاری حسابداری نیازمند حسابرسان برای تایید دقیق همه تبادلات قبل از گزارش هرگونه سودی به صورت قانونی می باشند، همانگونه که آنها نیازمند تشخیص همه زیانهای ممکن هستند. در شرایطی که حسابداران باید بین دو گزینه در گزارش مالی انتخاب کنند، محافظه کاری حسابداری قوانین و دستورالعمل هایی را فراهم می کند که آن ها را عینی نگه می دارد و وضعیت مالی شرکت را به خوبی نشان می دهد.

مطالب پیشین نشان می دهند که محافظه کاری حسابداری بر کیفیت افشا تاثیر می گذارد (بال و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۳؛ بیکز و همکاران<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۴؛ فان وانگ<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۲). محافظه کاری در افشاگری های مالی در نتیجه مقررات، مالیات، دعوی قضایی یا قرارداد (باسو<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۷؛ واتس<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۳) قرار دارند، (بیور و رایان<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۰؛ گیولی و هاین<sup>۲۵</sup>، ۲۰۰۰) هیئات های مدیره

<sup>17</sup> Stansfield

<sup>18</sup> Trotta & Cavallero

<sup>19</sup> Ball et al

<sup>20</sup> Bakes et al

<sup>21</sup> Fan Wang

<sup>22</sup> Basu

<sup>23</sup> Watts

<sup>24</sup> Beaver & Ryan

<sup>25</sup> Gioly & Hein

می‌توانند از محافظه‌کاری حسابداری برای رسیدگی به مشکلات نمایندگی استفاده کنند (آ. اس. احمد و دولمان<sup>۲۶</sup>، ۲۰۰۷؛ واتس، ۲۰۰۳). محافظه‌کاری حسابداری فرصت‌طلبی مدیریتی را محدود می‌کند (به عنوان مثال پرداخت‌های اضافی به مدیران به هزینه سهامداران را کاهش می‌دهد)، هزینه‌های ریسک دعوی قضایی را کاهش می‌دهد، کارایی بدهی و سایر پیمان‌ها را افزایش می‌دهد و نظارت بر قراردادهای حفظ می‌کند. شواهد فرانسویس و همکاران (۲۰۱۳) نیز نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری، ریسک اطلاعات و مشکلات نمایندگی را کاهش می‌دهد. ژانگ<sup>۲۷</sup> (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که وام‌دهندگان نرخ بهره کمتری را بر وام‌دهندگان محافظه‌کار تحمیل می‌کنند. دی فوند، لیم و ژانگ<sup>۲۸</sup> (۲۰۱۲) گزارش می‌کنند که مشتریان حسابرسی محافظه‌کارانه با احتمال کمتری اعداد حسابداری را دوباره بیان می‌کنند. مطالب تحقیق همچنین نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری بر کارایی سرمایه‌گذاری تاثیر می‌گذارد (چن و همکاران<sup>۲۹</sup>، ۲۰۱۳؛ چو چوی<sup>۳۰</sup>، ۲۰۱۶؛ گارسیا و همکاران، ۲۰۱۶). در مقابل، تنظیم‌کنندگان بازار مالی، تنظیم‌کنندگان استانداردهای گزارش مالی و دانشگاهیان به شدت از محافظه‌کاری در شیوه‌های حسابداری انتقاد می‌کنند و استدلال می‌کنند که ممکن است تعصب در گزارش مالی را معرفی کنند و از این رو صورت‌های مالی را تحریف کنند (گیگلر و همکاران<sup>۳۱</sup>، ۲۰۰۹؛ جکسون و لیو<sup>۳۲</sup>، ۲۰۱۰ و واتس، ۲۰۰۲). محافظه‌کاری حسابداری تمایل دارد دارایی‌های خالص را دست‌کم بگیرد، و زیان‌ها در مقایسه با سودها، بلافاصله در صورت درآمد شناسایی می‌شوند. بنابراین نسبت بدهی به دارایی یک شرکت (درآمد خالص) در مقایسه با ارزش اهرم اقتصادی واقعی آن (درآمد خالص) به طور سیستماتیک بیش از حد بیان شده‌است (کم‌تر از حد بیان شده‌است). در نتیجه، موقعیت مالی شرکت مختل شده و در نتیجه توانایی آن برای افزایش سرمایه کاهش می‌یابد. علاوه بر این، در میان انتقاد از فعالیت‌های حسابداری محافظه‌کارانه این است که محافظه‌کاری حسابداری اختیاری است (یعنی مدیران می‌توانند قدرت اختیاری زیادی نسبت به گزارش مالی داشته باشند) و تاثیر متناقضی بر درآمد گزارش شده دارند (چتفیلد<sup>۳۳</sup>، ۱۹۹۶).

### ۲-۳. بانک‌های اسلامی و محافظه‌کاری حسابداری

محافظه‌کاری حسابداری باید در صنعت بانکداری در مقایسه با سایر صنایع به دلیل پیچیدگی بالا، ریسک بالای اطلاعات، تمایز قرارداد و مقررات و قوانین شدید بیشتر مورد توجه قرار گیرد (هسو و همکاران<sup>۳۴</sup>، ۲۰۱۷). در واتس (۲۰۰۳)، قانون‌گذاران شرکت‌هایی را پشتیبانی می‌کنند که دارای فعالیت‌های مالی و حسابداری محافظه‌کارانه هستند؛ انجام این کار به اجتناب از انتقادات عمومی در صورت ورشکستگی این شرکت‌ها کمک می‌کند. همچنین، هنگامی که شرایط اقتصادی بهبود می‌یابد، بانک‌های مرکزی از بانک‌هایی حمایت می‌کنند که LLP‌های بزرگی را ایجاد می‌کنند به عنوان نشانه‌ای از محافظه‌کاری حسابداری (ترنر و همکاران<sup>۳۵</sup>، ۲۰۱۰).

<sup>26</sup> A. S. Ahmad & Dolman

<sup>27</sup> Zhang

<sup>28</sup> Lim & Zang

<sup>29</sup> Chen et al

<sup>30</sup> choo choo

<sup>31</sup> Giegler et al

<sup>32</sup> Jackson & Liu

<sup>33</sup> Chatfield

<sup>34</sup> Hsu et al

<sup>35</sup> Turner et al

بانک های اسلامی به چند دلیل احتمال بیشتری برای اعمال سیاست های حسابداری محافظه کارانه نسبت به بانک های تجاری دارند. نخست، بانک های اسلامی کسب و کار خود را براساس قانون شریعت انجام می دهند که بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت از طریق یک مالیات اسلامی به نام زکات تاکید دارد. این تعهد اضافی به شدت بانک های اسلامی را تشویق می کند تا در فعالیت های حسابداری خود در مقایسه با بانک های تجاری محافظه کارانه تر باشند (الاباد<sup>۳۶</sup>، ۲۰۱۶).

دوم، افراد مذهبی به طور کلی گرایش به ریسک پذیری بیشتری دارند و بنابراین احتمال اینکه مدیران نهادهای مذهبی تحت تعقیب قرار گیرند کم تر است (مک گوایر و همکاران<sup>۳۷</sup>، ۲۰۱۱). (میلر<sup>۳۸</sup>، ۲۰۰۰) بنابراین، مسلماً این امر ممکن است نشان دهد که افراد مذهبی و نهادهای مذهبی متأثر به احتمال زیاد در تصمیم گیری خود محافظه کار هستند. سوم اینکه، مشکلات نمایندگی در بانک های اسلامی بیشتر از بانک های تجاری تلفظ می شوند که به بانک های اسلامی انگیزه می دهد تا سیاست های حسابداری محافظه کارانه تری را دنبال کند. به عنوان مثال حساب های سرمایه گذاری به اشتراک گذاری سود نشان دهنده منبع اصلی سرمایه در بانک های اسلامی هستند. دارندگان سهام سرمایه های خود را بر مبنای تقسیم سود و زیان ذخیره می کنند اما آن ها هیچ قدرتی برای نظارت بر عملکرد وجوه خود ندارند (الساده<sup>۳۹</sup>، ۲۰۰۷). وضعیت آن ها هیچ حقی برای نظارت بر رفتار مدیریت یا تاثیر بر تصمیمات مدیریت را فراهم نمی کند. علاوه بر این، آن ها نه مدیران هیات مدیره را نامزد می کنند و نه حساب رسان خارجی را استخدام می کنند. در عوض، آن ها برای نظارت بر رفتار و عملکرد مدیریت، بر سهامداران تکیه می کنند. با این حال، دارندگان سهام ضرر و زیان را در اوراق بهادار مورد حمایت دارایی جذب می کنند و نگرانی هایی را در مورد شفافیت و افشا ایجاد می کنند (مجیا و همکاران<sup>۴۰</sup>، ۲۰۱۴). علاوه بر این، شفافیت در افشای حاکمیت شرکتی هنوز هم باید به طور قابل توجهی بهبود یابد (عبدالله و همکاران<sup>۴۱</sup>، ۲۰۱۴). شفافیت کم تر باعث عدم تقارن اطلاعاتی بین بانک ها و سهامداران آن ها می شود و نگرانی های بیشتری را در مورد اعتبار و اعتماد ایجاد می کند. تمام این مشکلات نمایندگی بر بانک های اسلامی فشار می آورند تا در شیوه های حسابداری و گزارش دهی خود محافظه کارتر باشند.

چهارم اینکه، قانون گذاران هنوز نگرانی های عمده ای در مورد اینکه آیا ویژگی های سیستم بانکداری اسلامی بر توسعه این صنعت تاثیر دارد یا خیر، دارند. اگرچه چندین کشور چارچوب های نظارتی و نظارتی بانکداری اسلامی خود را بهبود بخشیده اند اما هنوز به پیشرفت های بیشتری نیاز است (لوپز و همکاران<sup>۴۲</sup>، ۲۰۱۴؛ سانگ اوسوتیزم<sup>۴۳</sup>، ۲۰۱۴).

پنجم اینکه، مدیران باتعهد اخلاقی کم تر ممکن است از انعطاف پذیری در استانداردهای حسابداری برای متورم کردن درآمدهای گزارش شده بهره برداری کنند (چوی و پائی<sup>۴۴</sup>، ۲۰۱۱). محیط های اخلاقی بانک های اسلامی با این حال، صداقت را در گزارش مالی ارتقا می دهند و رفتار کسب و کار غیر اخلاقی را دلسرد می کنند. بنابراین پایبندی شدید به شریعت باید با هر گونه انگیزه غیر اخلاقی مقابله کند و ناکارآمدی ناشی از خطرات اخلاقی و عدم تقارن اطلاعاتی را

<sup>36</sup> Allahabad

<sup>37</sup> McGuire et al

<sup>38</sup> Miller

<sup>39</sup> Al-Sade

<sup>40</sup> Mejjia et al

<sup>41</sup> Abdullah et al

<sup>42</sup> Lopez et al

<sup>43</sup> Sang Osotism

<sup>44</sup> Choi and Pai

کاهش دهد (حسن<sup>۴۵</sup>، ۲۰۱۲). در واقع، کوتنلا و آلموتایری (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های تجاری درگیر شیوه‌های حسابداری غیراخلاقی کمتری (اندازه‌گیری شده توسط اقلام تعهدی و LLPهای غیرعادی) هستند. بنا به گفته چوی و پائی (۲۰۱۱) که شرکت‌هایی با تعهدات بیشتر به اخلاقیات کسب و کار را می‌یابند که درآمدها را به صورت محافظه کارانه‌تری گزارش می‌کنند، عنصر اخلاقی به طور بالقوه شرکت‌ها را تشویق می‌کند تا از شیوه‌های حسابداری محافظه کارانه تر پیروی کنند.

در آخر، بانک‌های اسلامی یک لایه اضافی از حاکمیت شرکتی، یعنی هیات نظارت شریعت (SSB) دارند که به شدت تضمین می‌کند که تمام تراکنش‌های مالی و حسابداری بانک‌های اسلامی به اصول اسلامی پایبند باشند (کوتینا، ۲۰۱۲). در نتیجه، از آنجا که اعضای SSB از مکاتب فکری مختلف اسلامی می‌آیند، این تفاوت‌ها ممکن است عدم توافق در مورد معاملات و تفاسیر شریعت را تشدید کند. این می‌تواند تا حد زیادی تغییرات در گزارش مالی، حسابرسی و رفتارهای حسابداری را منعکس کند و فشار بیشتری بر بانک‌های اسلامی برای اتخاذ شیوه‌های حسابداری احتیاطی ایجاد کند (مجیا و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین تمایلات محافظه کارانه و اخلاقی بانک‌های اسلامی می‌تواند گزارش مالی متقالبانه را کاهش دهد و بنابراین ممکن است مفاهیم مهم حسابداری و اقتصادی داشته باشد. بنابراین فرضیه زیر وجود داشته و به شکل دیگری بیان می‌شد:

فرضیه ۱. در صورت عدم تغییر سایر چیزها بانک‌های اسلامی عمل محافظه کارانه بیشتری نسبت به بانک‌های تجاری دارند.

### ۲-۳-۱. اندازه هیات‌مدیره و محافظه کاری حسابداری

اندازه هیئات بر سطح توافق، دانش مشترک و تخصص در میان مدیران تاثیر می‌گذارد. به نوبه خود، اندازه هیات برای اثربخشی هیات و بهبود عملکرد شرکت، به ویژه هنگامی که شبکه‌ها و دسترسی به منابع اقتصادی مهم هستند، حیاتی می‌باشند (کیل و نیکولسون<sup>۴۶</sup>، ۲۰۰۳). برخی از شرکت‌ها برای نظارت موثر به هیات‌های مدیره بزرگتری نیاز دارند (آدامز و مهران<sup>۴۷</sup>، ۲۰۰۳). برای مثال در شرکت‌های پیچیده (مثلاً بانک‌ها)، مزایای هیئات‌های بزرگ‌تر مهم‌تر از هزینه‌ها می‌باشند (ناون و همکاران<sup>۴۸</sup>، ۲۰۰۸). هیئات‌های بزرگ‌تر شبکه‌های بهتری را حفظ می‌کنند و تخصص بیشتری دارند (دالتون و همکاران<sup>۴۹</sup>، ۱۹۹۹).

شواهد تجربی همچنین نشان می‌دهند که احتمال ورشکستگی در شرکت‌هایی با هیئات‌های مدیره بزرگ‌تر کم‌تر است (چاگانتی و همکاران<sup>۵۰</sup>، ۱۹۸۵). به طور مشابه شواهد نشان می‌دهد که شرکت‌های با هیات‌های مدیره بزرگ‌تر، ریسک کمتری دارند (بیرنهام<sup>۵۱</sup>، ۱۹۸۴)، عدم تقارن اطلاعاتی کمتری دارند (چن و جگی<sup>۵۲</sup>، ۲۰۰۰) در جوامع خود بیشتر قابل مشاهده هستند (پروون<sup>۵۳</sup>، ۱۹۸۰)، از هزینه بدهی پایین‌تر لذت می‌برند (اندرسون و همکاران<sup>۵۴</sup>، ۲۰۰۴)، و در تخصیص منابع بهتر هستند (گوداشتاین و هماران<sup>۵۵</sup>، ۱۹۹۴؛ پیرس زهرا، ۱۹۹۲). در پففر و سالنکیک<sup>۵۶</sup> (۲۰۰۳)، شرکت‌هایی با

<sup>45</sup> Hasan

<sup>46</sup> Kiel & Nicholson

<sup>47</sup> Adams & Mehran

<sup>48</sup> Navon et al

<sup>49</sup> Dalton et al

<sup>50</sup> Chaganti et al

<sup>51</sup> Birnbaum

<sup>52</sup> Chen & Jaggi

<sup>53</sup> Provin

<sup>54</sup> Anderson et al

<sup>55</sup> Gudstein & Hemaran

هیئات های مدیره بزرگ تر عملکرد بهتری دارند زیرا آنها بودجه را تامین می کنند، سرمایه خارجی را افزایش می دهند و اهرم مالی را به طور موثرتری مدیریت می کنند. کیل و نیکلسون<sup>۵۷</sup> (۲۰۰۳) نیز افزایش عملکرد شرکت را با اندازه هیئات مدیره نشان می دهند.

به همین ترتیب، یک هیئات بزرگ می تواند در نظارت بر مدیریت کم تر موثر باشد زیرا داشتن مدیران بیشتر به معنای هماهنگی و ارتباط پیچیده تر و همچنین تاخیر در فرایندهای تصمیم گیری می باشد (ایسنبرگ و همکاران، ۱۹۹۸؛ فوربز میلیکن<sup>۵۸</sup>، ۱۹۹۹؛ گلدشتاین<sup>۵۹</sup>، ۱۹۸۴؛ قاضی زنتیال<sup>۶۰</sup>، ۱۹۹۲؛ شاو<sup>۶۱</sup>، ۱۹۸۱؛ یرماک<sup>۶۲</sup>، ۱۹۹۶). هیئات های مدیره کوچک نیز موثرتر از هیئات های مدیره بزرگ هستند زیرا احتمال مخالفت مدیران کم تر است و احتمال تشویق تعامل و بحث واقعی بیشتر می باشد (لانج و همکاران<sup>۶۳</sup>، ۱۹۷۸؛ فیرستنبرگ و مالکیل<sup>۶۴</sup>، ۱۹۹۴).

مطالعات در مورد رابطه بین اندازه هیات مدیره و محافظه کاری حسابداری محدود می باشد. بوسعید و همکاران<sup>۶۵</sup> (۲۰۱۵) و کی. احمد و هنری<sup>۶۶</sup> (۲۰۱۲) یک ارتباط منفی بین اندازه هیئات و محافظه کاری شرطی پیدا کردند. براساس نمونه ای متشکل از ۳۸۵۲ مشاهده سال شرکت از شرکت های دولتی غیرمالی مالزی در طول سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲، عبدالمناف و همکاران<sup>۶۷</sup> (۲۰۱۴) نشان می دهند که شرکت هایی با هیئات های مدیره کوچک تر، محافظه کارتر هستند. درحالی که آ. اس. احمد و دولمان<sup>۶۸</sup> (۲۰۰۷) هیچ پیوندی بین محافظه کاری شرطی و اندازه هیئات نشان ندادند. بنابراین از آنجا که مطالعات قبلی شواهد ترکیبی در مورد تاثیر اندازه هیات مدیره بر کیفیت گزارشگری مالی و محافظه کاری حسابداری ارائه می دهند ما رابطه ای بین محافظه کاری حسابداری و اندازه هیئات مدیره را پیش بینی می کنیم اما هیچ جهتی را بیان نمی کنیم. به صورت رسمی در نظر بگیرید:

فرضیه ۲: در بانک های اسلامی، محافظه کاری حسابداری با اندازه هیئات مدیره در ارتباط می باشد.

## ۲-۴. ترکیب هیئات مدیره و محافظه کاری حسابداری

انگیزه ها و توانایی نظارت و کنترل مدیریت در میان مدیران متفاوت می باشد. علاوه بر این ویژگی های مدیران بر کارایی هیئات مدیره تاثیر می گذارند. شواهد تجربی نشان می دهد که هیئت هایی با مدیران خارجی مستقل، موثرتر هستند. وایس بک<sup>۶۹</sup> (۱۹۸۸) گزارش می دهد که گردش مالی مدیرعامل پس از عملکرد ضعیف مالی، بیشتر در شرکت هایی رخ می دهد که هیئات مدیره تحت سلطه مدیران مستقل می باشد. شواهد همچنین نشان می دهند که شرکت هایی با نسبت های بالاتر از مدیران بیرونی مستقل با احتمال کمتری درآمدها را مدیریت می کنند (دجو و همکاران<sup>۷۰</sup>، ۱۹۹۶) و اطلاعات منفی بیشتری را افشا می کنند (آبراهامسون و پارک<sup>۷۱</sup>، ۱۹۹۴). دیلی و دلتون<sup>۷۲</sup> (۱۹۹۴) نشان می دهند که شرکت هایی

<sup>56</sup> Pfeffer & Salomkik

<sup>57</sup> Kiel & Nicholson

<sup>58</sup> Forbes Milliken

<sup>59</sup> Goldstein

<sup>60</sup> Judge Zentia

<sup>61</sup> Shaw

<sup>62</sup> Yermak

<sup>63</sup> Lange et al

<sup>64</sup> Fürstenberg & Malekiel

<sup>65</sup> Bosayid et al

<sup>66</sup> Ahmed & Henry

<sup>67</sup> Abdul Manaf et al

<sup>68</sup> A. S. Ahmad & Dolman

<sup>69</sup> Weissback

<sup>70</sup> Dechow et al

<sup>71</sup> Abrahamson & Park

<sup>72</sup> Daly & Delton

که دارای مدیران خارجی مستقل تر هستند، نسبت به شرکت‌هایی که دارای چند مدیر خارجی مستقل هستند، احتمال بیشتری برای اجتناب از ورشکستگی دارند. در کیل و نیکلسون<sup>۷۳</sup> (۲۰۰۳)، وقتی مدیران مستقل تر در هیئت‌مدیره باشند، عملکرد شرکت بهبود می‌یابد.

با این حال یک نمونه از ۱۲۷۱ شرکت فهرست‌شده بریتانیا بین سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که مدیران خارجی مستقل، مدیریت سود افزایشی را محدود می‌کنند اما هیچ تاثیری بر دستکاری‌های کاهش درآمد ندارند. کلین<sup>۷۴</sup> (۲۰۰۲) یک رابطه منفی بین حضور مدیران خارجی مستقل و اقلام تعهدی اختیاری را برای یک نمونه ۶۹۲ تایی از شرکت‌های دولتی آمریکا در شاخص S و P ۵۰ در سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ مستندسازی می‌کند. علاوه بر این زی، دیویدسون و داالت<sup>۷۵</sup> (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که مدیریت سود با احتمال کمتری در شرکت‌هایی رخ می‌دهد که دارای نسبت‌های بالاتری از مدیران مستقل هستند. این مطالعه از نمونه‌ای متشکل از ۲۹۰ شرکت دولتی در شاخص SPSS ۵۰۰ در سال‌های ۱۹۹۲، ۱۹۹۴ و ۱۹۹۶ استفاده می‌کند. پارک و شین<sup>۷۶</sup> (۲۰۰۴) نتایج مشابهی را با استفاده از ۵۳۹ شرکت کانادایی برای دوره ۱۹۹۱-۱۹۹۷ گزارش کردند.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که مدیران مستقل نظارت را بهبود می‌بخشند و بنابراین ممکن است کیفیت درآمدها را بهبود بخشند. این امر نشان می‌دهد که مدیران خارجی مستقل در مورد حاکمیت محافظه‌کارتر هستند که باید منجر به محافظه‌کاری حسابداری بیشتر شود. بنابراین در حضور مدیران خارجی مستقل‌تر، مدیریت با احتمال کمتری کیفیت افشای مالی را به خطر می‌اندازد و با احتمال بیشتری نیازمند اقدامات محافظه‌کارانه می‌باشند.

مطالعات قبلی ارتباطی بین استقلال هیئت‌مدیره و محافظه‌کاری حسابداری را نشان می‌دهند. برای مثال، بیکس و همکاران<sup>۷۷</sup> (۲۰۰۴) براساس یک نمونه از ۴۱ شرکت انگلیسی نشان می‌دهند که محافظه‌کاری حسابداری با افزایش تعداد مدیران مستقل افزایش می‌یابد. آ. اس. احمد و دالمان<sup>۷۸</sup> (۲۰۰۷) از نمونه‌ای متشکل از ۳۰۶ شرکت در S و P ۵۰ شرکت در طول سال‌های مالی ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ استفاده کرده و رابطه مثبتی را بین درصد مدیران خارجی و محافظه‌کاری گزارش می‌دهد. کانکانپا<sup>۷۹</sup> (۲۰۰۹) رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و کیفیت درآمدها را بررسی می‌کند که توسط به موقع بودن درآمدها و محافظه‌کاری درآمدها، برای نمونه‌ای از شرکت‌های فهرست‌شده عمومی فنلاند اندازه‌گیری می‌شود. یافته‌های او نشان می‌دهد که نسبت مدیران مستقل تاثیر مثبتی بر به موقع بودن اخبار بد منعکس شده در درآمدها دارد. براساس این یافته‌ها، ما فرضیه زیر را ارائه می‌دهیم:

فرضیه ۳: در بانک‌های اسلامی، محافظه‌کاری حسابداری رابطه مثبتی با نسبت مدیران مستقل خارج از شرکت دارد.

## ۲-۵. شهرت هیئت‌مدیره و محافظه‌کاری حسابداری

مدیران خارجی مستقل دارای انگیزه‌های ناهمگون برای نظارت و کنترل مدیریت هستند. با این حال، نقش نظارتی آنها ممکن است با توجه به ارزش شهرت آنها متفاوت باشد. به طور خاص، تحقیقات نشان می‌دهد که بازار برای کار مدیریتی، مدیران خارجی مستقل را به توسعه شهرت به عنوان کارشناسان تصمیم با نظارت و کنترل مدیریت تشویق

<sup>73</sup> Kiel & Nicholson

<sup>74</sup> Clean

<sup>75</sup> Zee, Davidson & Daalt

<sup>76</sup> Park & Shin

<sup>77</sup> Bix et al

<sup>78</sup> A. S. Ahmad & Dalman

<sup>79</sup> Kankampa

می کند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). شیوداسانی (۱۹۹۳) شهرت مدیران خارجی مستقل را گزارش می دهد که با ریاست چندگانه نمایندگی می شوند و اثربخشی نظارت بر هیئات مدیره را افزایش می دهند. در ماسولیس و موبس<sup>۸۰</sup> (۲۰۱۴) مدیرانی که در مدیریت معتبرتر خدمت می کنند با احتمال کمتری در زمانی که عملکرد شرکت ضعیف هست، استعفا می دهند. آن ها همچنین رابطه مثبتی را بین عملکرد شرکت و شهرت مدیران خارجی مستقل نشان می دهند.

در یک مقاله کاری متفاوت، ماسولیس و موبس (۲۰۱۲) نشان می دهند که شرکت هایی با مدیران بسیار معتبر با احتمال کمتری فریب خورده یا تحت پی گرد قانونی قرار می گیرند، تعهدات بدهی را نقض می کنند، درآمدها را مدیریت می کنند، درآمدهای حالت مجدد می دهند، گزینه های تاریخ گذشته و نرخ های سود سهام نقدی را کاهش می دهند. همچنین، ماسولیس و موبس (۲۰۱۱) و موبس (۲۰۱۳) هیئت هایی را با مدیرانی گزارش می کنند که در شرکت های دیگر رئیس دارند و تصمیمات بهتری می گیرند و رفتار مدیرعامل را دقیق تر بررسی می کنند. علاوه بر این گزارش کاپلان و ریشو<sup>۸۱</sup> (۱۹۹۰) شرکت ها با احتمال کمتری سود سهام را کاهش می دهند اگر هیئات مدیره آن ها شامل مدیرانی با مدیران متعدد باشد.

مطالعات قبلی نیز نشان می دهند که شهرت مدیر تا حد زیادی تحت تاثیر تصمیمات خاص هیئت مدیره باشد. به عنوان مثال مدیران شرکت هایی که سود را دوباره بیان می کنند یا مرتکب تقلب می شوند، مدیران آتی کمتری دارند (سیرینیواسان<sup>۸۲</sup>، ۲۰۰۵). علاوه بر این، کپلان و ریشو (۱۹۹۰) مدیرانی را در شرکت هایی نشان می دهند که سود سهام را کاهش می دهند و برای مدیران کمتری در آینده نامزد می شوند. بنابراین، بدیهی است که شهرت مدیران خارجی مستقل کاهش می یابد اگر آن ها حاکمیت ضعیف اعمال کنند و ناظران شلخته باشند. بر این اساس، مدیران معتبر به عنوان ناظرهای موثرتر در نظر گرفته می شوند. علاوه بر این، هزینه های شخصی شهرت و اختلال شغلی ممکن است مدیران مستقل را محتاط تر کند و آن ها را به اتخاذ شیوه های حسابداری محافظه کارانه تشویق کند. این منجر به فرضیه زیر می شود:

فرضیه ۴: در بانک های اسلامی، محافظه کاری حسابداری رابطه مثبتی با شهرت مدیران مستقل خارجی دارد.

## ۲-۶. دوره تصدی هیئات مدیره و محافظه کاری حسابداری

مطالعات قبلی ارتباط بین دوره تصدی یک مدیر و توانایی او برای نظارت بر مدیریت را مورد بررسی قرار داده اند (بیسلی<sup>۸۳</sup>، ۱۹۹۶؛ بربریچ تینیو<sup>۸۴</sup>، ۲۰۱۱؛ بونینی و همکاران<sup>۸۵</sup>، ۲۰۱۵؛ روترفورد بوچهولتز<sup>۸۶</sup>، ۲۰۰۷؛ اسناک و همکاران<sup>۸۷</sup>، ۲۰۰۵؛ شارما، ۲۰۱۱؛ وافلاس<sup>۸۸</sup>، ۲۰۰۳). شواهد تجربی نشان می دهند که مدیران خارجی با سابقه طولانی ناظرهای موثرتری هستند و از این رو بهتر می توانند از تقلب و تخلفات ۱۰ - K جلوگیری کنند (بیسلی، ۱۹۹۶؛ اشنیک و همکاران<sup>۸۹</sup>، ۲۰۰۵). شارما (۲۰۱۱) یک رابطه مثبت بین تصدی مدیران مستقل و احتمال پرداخت سود سهام را نشان می دهد. بونینی و همکاران (۲۰۱۵) به این نکته اشاره می کنند که مدیران مستقل طولانی تر، به دلیل توانایی خود در

<sup>80</sup> Masolis & Mobes

<sup>81</sup> Kaplan & Risho

<sup>82</sup> Sirinivasan

<sup>83</sup> Beasley

<sup>84</sup> Barberich Tinio

<sup>85</sup> Bonini et al

<sup>86</sup> Rutherford Buchholtz

<sup>87</sup> Snak et al

<sup>88</sup> Waffles

<sup>89</sup> Ashnik et al

جمع‌آوری، حفظ و به اشتراک گذاشتن اطلاعات ارزشمند درباره شرکت‌هایشان، ناظران بهتری هستند. شواهد آن‌ها همچنین نشان می‌دهد که چنین شرکت‌هایی سودآورتر هستند و ارزش بازار بالاتری دارند. به نوبه خود، مدیران مستقل با مدت تصدی طولانی‌تر با ثبات تجاری بیشتر در ارتباط هستند، گرایش به داشتن دانش بیشتر در مورد شرکت، حفظ تجربه حاکمیت بیشتر و مشارکت بیشتر در بحث‌های هیئت‌مدیره دارند.

از سوی دیگر، زمان‌های طولانی‌تر می‌توانند تاثیر منفی بر عملکرد شرکت داشته باشند. به عنوان مثال آشنایی بیشتر بین مدیران و مدیریت می‌تواند استقلال را به خطر اندازد و بنابراین نظارت را تضعیف کند (فراساسی و تیت<sup>۹۰</sup>، ۲۰۱۲). و فلاس (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که مدیران خارجی با مدت طولانی، ناظرهای اثربخشی کمتری هستند. مدیران نیز با نزدیک شدن به بازنشستگی، کم‌تر هوشیار می‌شوند. مدیران در سال‌های اولیه خدمت خود تمایل بیشتری به نظارت بهتر دارند زیرا توانایی آن‌ها در ارزیابی و پاداش با بازار کار کارآمد ارزیابی می‌شود (هانگ، ۲۰۱۳). علاوه بر این هانگ (۲۰۱۳) یک ارتباط منفی بین تصدی مدیران خارجی و کیفیت گزارش مالی گزارش می‌دهد. او متوجه می‌شود که مدیران خارجی جدیدتر تصمیمات خرید بهتری می‌گیرند، در مدیریت سود کم‌تر مشارکت می‌کنند، به احتمال زیاد مدیران بد را جایگزین می‌کنند (برای مثال، مدیرعامل‌ها) و از فعالیت‌های حسابداری محافظه کارانه‌تری حمایت می‌کنند. با توجه به دو دیدگاه رقیب در مورد چگونگی تاثیر تصدی بر کارایی نظارت، ما انتظار داریم که رابطه‌ای بین محافظه‌کاری حسابداری و تصدی مدیر وجود داشته باشد اما هیچ جهتی نداشته باشد. بنابراین، ما فرضیه زیر را ارائه می‌دهیم:

فرضیه ۵: در بانک‌های اسلامی، محافظه‌کاری حسابداری با دوره تصدی مدیران مستقل در ارتباط می‌باشد.

## ۲-۷. تنوع هیئت‌مدیره و محافظه‌کاری حسابداری

یک هیئت متنوع متشکل از مدیرانی است که ویژگی‌های منحصر به فردی دارند (برای مثال جنسیت، قومیت، سن و تحصیلات) که ممکن است بر ارزش شرکت تاثیر بگذارند. به عنوان مثال، تنوع هیئت ممکن است خلاقیت و نوآوری را افزایش دهد، حل مساله موثرتر تولید کند (به عنوان مثال واتسون و همکاران، ۱۹۹۳؛ ویرسما بانتل<sup>۹۱</sup>، ۱۹۹۲)، دسترسی به منابع مختلف و ارتباطات جهانی را افزایش دهد، تعهد شرکت در برابر تبعیض اقلیت را نشان دهد، تصویری از مسئولیت اجتماعی شرکت را پرورش دهد (فریرا<sup>۹۲</sup>، ۲۰۱۰)، بهره‌وری رهبری را پرورش دهد و به درک بهتر بازار کمک کند. (رابینسون و دچانت<sup>۹۳</sup>، ۱۹۹۷).

علاوه بر این اگر چه نقش مدیران برای مقابله با رفتار فرصت طلبانه مدیریتی حیاتی می‌باشد، اگر آن‌ها متنوع باشند، هیئت‌مدیره می‌تواند موثرتر باشد (دونالدسون و دويس<sup>۹۴</sup>، ۱۹۹۱). نظریه نمایندگی استدلال می‌کند که تنوع هیئت، استقلال هیات را افزایش می‌دهد و منجر به عمل‌گرایی بیشتر و نظارت بهتر بر مدیریت می‌شود (کارتر و همکاران<sup>۹۵</sup>، ۲۰۱۰). به طور خاص، شواهد نشان می‌دهند که مدیران زن تاثیر مثبتی بر ارزش شرکت دارند. (کمپبل و مینگز ورا<sup>۹۶</sup>، ۲۰۱۰). کمپبل و مینگز ورا<sup>۹۷</sup>، ۲۰۰۸). در لوکرت - راورز<sup>۹۸</sup> (۲۰۱۰)، شرکت‌های هلندی با مدیران زن عملکرد بهتری

<sup>90</sup> Frassasi & Tate

<sup>91</sup> Virsma Bantel

<sup>92</sup> Ferreira

<sup>93</sup> Robinson & Dechant

<sup>94</sup> Donaldson & Davis

<sup>95</sup> Carter et al

<sup>96</sup> Campbell & Mings Vera

<sup>97</sup> Campbell & Magns Vera

نسبت به همتایان خود داشتند. شواهد همچین نشان می دهند که حضور مدیران زن، اقلام تعهدی احتیاطی را کاهش می دهد که نشان دهنده محافظه کاری حسابداری بیشتر می باشد.

با این حال مقالات پژوهشی اندکی ارتباط مثبتی را بین تنوع جنسیتی هیئات مدیره و محافظه کاری حسابداری نشان می دهند. به عنوان مثال بوسعید و همکاران (۲۰۱۵)، نشان می دهند که تنوع جنسیتی بیشتر، فعالیت های حسابداری محافظه کارانه تری را ترویج می کند. در ژو<sup>۹۹</sup> (۲۰۱۲)، شرکت ها هنگامی که از هیئات های مدیره مرد به هیئات های مدیره با حداقل یک مدیر زن تبدیل می شوند، شیوه های حسابداری محافظه کارانه تری را اتخاذ می کنند.

سایر مطالعات نیز رابطه مثبتی را بین دیگر جنبه های تنوع هیئات مدیره و عملکرد شرکت نشان می دهند (به عنوان مثال ماریموتو<sup>۱۰۰</sup>، ۲۰۰۸؛ ماریموتو جولادیسامی<sup>۱۰۱</sup>، ۲۰۰۹؛ نیشی و همکاران<sup>۱۰۲</sup>، ۲۰۰۷). کیم و لیم<sup>۱۰۳</sup> (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط بین تنوع مدیران خارجی مستقل و ارزش شرکت های کره ای می پردازند. آن ها دریافتند که تنوع در رشته های تحصیلی و سنی در میان مدیران مستقل بیرونی، تاثیر مثبتی بر ارزیابی شرکت دارد. آن ها همچنین نسبت مدیران مستقل بیرونی با تجربه دولتی را نشان می دهند که تاثیر مثبتی بر ارزش گذاری دارند.

به همین ترتیب، ممکن است برخی از جنبه های منفی برای تنوع هیئات مدیره وجود داشته باشد. به عنوان مثال در فررا<sup>۱۰۴</sup> (۲۰۱۰)، مدیران غیرمشابه از نظر جمعیتی دارای ارزش ها و دیدگاه های متفاوتی هستند که می تواند تعامل و ارتباط میان مدیران را کاهش دهد. علاوه بر این، چنین مدیرانی می توانند جذابیت بین فردی و انسجام ضعیف هیئات مدیره را محدود کنند.

یکی دیگر از معایب تنوع هیئات مدیره می تواند امکان نامزد کردن مدیران برای ویژگی های جمعیت شناختی شان به جای تجربه و صلاحیت های آن ها باشد. برخی از پژوهش های پیشین نشان می دهند که تنوع هیئات مدیره (یعنی جنسیت) تاثیر منفی بر ارزش شرکت دارد (مثلا پالمبرگ و همکاران<sup>۱۰۵</sup>، ۲۰۰۹). علاوه بر این سلطانا و واندر زهرا<sup>۱۰۶</sup> (۲۰۱۱) شرکت های استرالیایی با مدیران زن را گزارش می کنند که کم تر از حسابرسی محافظه کارانه عمل می کنند. با این حال تحقیقات دیگر هیچ ارتباطی بین تنوع هیئات مدیره (به عنوان مثال، قومیت) و ارزش شرکت را نشان نمی دهند (به عنوان مثال ماریموتو جولادیسامی<sup>۱۰۷</sup>، ۲۰۰۹؛ ماریموتو جولادیسامی<sup>۱۰۸</sup>، ۲۰۰۹).

شواهد تجربی در مورد چگونگی تاثیر تنوع هیئات مدیره بر حسابرسی محافظه کارانه ناقص و اندک می باشد که پیش بینی اینکه آیا رابطه ای بین تنوع هیئات مدیره و حسابرسی محافظه کارانه وجود دارد یا خیر را دشوار می سازد. با این حال، مطالعات ذکر شده باید مبنایی برای آزمون های تجربی ما فراهم کنند. این منجر به فرضیه زیر می شود:

فرضیه ۶: با فرض ثابت بودن سایر عوامل در بانک های اسلامی محافظه کاری حسابداری با تنوع هیئات مرتبط نمی باشند.

<sup>98</sup> Luckert - Rovers

<sup>99</sup> Zhou

<sup>100</sup> Marimoto

<sup>101</sup> Marimoto Juladisamy

<sup>102</sup> Nishi et al

<sup>103</sup> Kim & Lim

<sup>104</sup> Ferrara

<sup>105</sup> Palmer et al

<sup>106</sup> Sultana & Vander Zahra

### ۳. داده‌ها و روش‌شناسی

#### ۳-۱. روش جمع‌آوری داده‌ها

نمونه ما شامل بانک‌های اسلامی لیست شده موجود در پایگاه‌داده بانک حوزه بین سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۱۵ می‌باشد. ما یک نمونه پانل متوازن می‌سازیم و بانک‌های اسلامی را با داده‌های حسابداری از دست رفته در پایگاه‌داده بانک حوزه حذف می‌کنیم. علاوه بر این، ما توسعه و سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی را از چارچوب نمونه‌گیری حذف می‌کنیم. این روش‌ها منجر به ۱۰۰ بانک اسلامی با داده‌های حسابداری کامل می‌شوند. علاوه بر این ما ۱۸ بانک اسلامی را حذف می‌کنیم که سال‌های حسابداری یکسانی ندارند و نمرات حاکمیت ناقص در پایگاه‌داده معیارهای ریسک دارند. این روش منجر به یک نمونه متوازن از ۸۲ بانک اسلامی با اطلاعات کامل ۲۲ ساله بانک می‌شود که منجر به ۱۸۸۶ مشاهده سال شرکت می‌شود. بانک‌های اسلامی با بانک‌های تجاری براساس کل دارایی‌ها و موقعیت جغرافیایی تطبیق داده می‌شوند. نمونه منطبق ما شامل ۸۲ بانک تجاری از ۱۵ کشور می‌باشد. داده‌های مربوط به ویژگی‌های منظم هیئت‌مدیره، تعداد مدیران، تخصص‌های بانک‌های اسلامی و بانک‌های تجاری، دارایی‌ها، بدهی‌ها، درآمدها، هزینه‌ها، رتبه‌بندی اعتبار کشور و اطلاعات رتبه‌بندی ریسک به صورت دستی از پایگاه‌داده بانک - حوزه بازیابی می‌شوند و آن را با اطلاعاتی از چندین وب سایت سطح کشور و سطح بانک تکمیل می‌کنند. نتیجه هر دو نمونه شامل ۳۷۷۲ مشاهده برای ۱۶۴ بانک می‌باشد. جدول ۱ توزیع فراوانی بانک‌های اسلامی را نشان می‌دهد. ما دریافتیم که بحرین بیشترین فراوانی (۲۲ درصد) و اندونزی کمترین فراوانی (۰/۹۴ درصد) را دارند.

#### جدول ۱. فراوانی بانک‌های اسلامی (IBها) در میان کشورها

Table 1: Current strategies

کشور	فراوانی	درصد
بحرین	۸۲۸/۳۳	۲۱/۹۶
بنگلادش	۱۲۵/۶۱	۳/۳۳
مصر	۱۳۸/۰۶	۳/۶۶
اندونزی	۳۵/۴۶	۰/۹۴
ایران	۲۷۶/۱۱	۷/۳۲
اردن	۷۷/۳۳	۲/۰۵
عربستان	۱۳۸/۰۶	۳/۶۶
کویت	۲۷۶/۱۱	۷/۳۲
لبنان	۹۲/۰۴	۲/۴۴
مالزی	۳۲۲/۱۳	۸/۵۴
پاکستان	۴۱۴/۱۷	۱۰/۹۸
قطر	۱۷۳/۵۱	۴/۶۰
سودان	۳۶۸/۱۵	۹/۷۶
ترکیه	۱۸۴/۰۷	۴/۸۸
امارات متحده عربی	۳۲۲/۱۳	۸/۵۴
کل	۳/۷۷۲	۱۰۰/۰۰

### ۳-۲. اندازه گیری محافظه کاری حسابداری

از آنجا که حسابداری محافظه کارانه عبارت است از قابلیت راستی آزمایی تفاضلی مورد نیاز برای شناخت سود در مقابل زیان، شکل افراطی آن عبارت است از: پیش بینی سود اما پیش بینی زیان (واتس، ۲۰۰۳). این بدان معنی است که درآمدها زمانی که تشخیص داده می شوند، شناخته می شوند و زیانها فوراً شناسایی می شوند. یکی از انتقادات محافظه کاری این است که بیان کم تر درآمدها در دوره جاری می تواند منجر به بیان بیش از حد درآمدها در آینده شود. با این وجود ما ادعا می کنیم که هرچه رابطه بین متغیرهای مستقل و هر دو نماینده محافظه کاری حسابداری، زیان گزینی و LLPها غیرعادی منفی تر باشد، بانک به استثنای مدل امتیاز سی به عنوان یک متغیر وابسته که در آن رابطه و متغیرهای مستقل مثبت هستند، محافظه کارتر خواهد بود. این به این معنی است که مدیران بانک از نظر اخلاقی مسئول هستند و به نفع سهامداران عمل می کنند (کوتینا و همکاران، ۲۰۱۳). از این رو، ما سه معیار مختلف را به دلیل عدم وجود یک روش به طور کلی قابل قبول برای آزمایش سطح محافظه کاری اعمال می کنیم (گیولی و هاین، ۲۰۰۰).

دو نماینده از محافظه کاری حسابداری، زیان گزینی و LLPها غیرعادی، هر دو از مدیریت سود ناشی می شوند که شامل مدیریت گزارش مالی یا ساختار بندی معاملات برای دستکاری نتایج مالی می باشد. مدیران معمولاً درآمدها را برای کاهش هزینه های سیاسی، مدیریت نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و یا به حداکثر رساندن مزایای خود مدیریت می کنند (طالبینیا و جوانمرد، ۲۰۱۱). ارتباط بین مدیریت سود و محافظه کاری، رفتار فرصت طلبانه ای است که در صورت های مالی منعکس می شود. از این رو، محافظه کاری حسابداری در همبستگی منفی بین دو نماینده محافظه کاری حسابداری و متغیرهای مستقل منعکس می شود (طالبینیا و جوانمرد، ۲۰۱۱).

مدیریت سود برای زیان گزینی به طور گسترده ای در صنعت بانکداری انجام می شود و مربوط به تغییرات در وام های غیراجرایی است (یک جز نرمال یا غیر احتیاطی از LLPها برای زیان های اعتباری احتمالی آینده). حسابداری از دست دادن وام، رفتار مدیریت ریسک اعتباری را تشدید می کند و شکاف اطلاعاتی بین مدیریت ارشد و سهامداران ایجاد می کند (نیکولوز، واهلن، ویلانت، ۲۰۰۹). از آنجا که این معیار بر درآمدها تاثیر می گذارد، به بالاترین درجه احتیاط مدیریت نیاز دارد. علاوه بر این، این معیار شامل بهره به دست آمده است که نشان دهنده ارزیابی مدیریت از LLPهای فعلی می باشد. در نتیجه، محافظه کاری را می توان از نحوه محاسبه مدیران برای LLPها استنباط کرد.

مطالعات قبلی نشان می دهند که گریز از زیان یک معیار مهم برای مدیران است (برای مثال برگستالر و دیکو، ۱۹۹۷؛ دجورج و همکاران، ۱۹۹۹ را ببینید). در نتیجه، زیان گزینی برابر است با ۱، اگر یک بانک دارای بازده کمی در دارایی (ROA) (درآمد قبل از مالیات که با مجموع دارایی ها سنجیده می شود) بین ۰ و ۰/۰۱ باشد؛ از دست دادن اجتناب برابر صفر است در غیر این صورت (کاناگارتنام و همکاران، ۲۰۱۰) هنگامی که زیان گزینی برابر با ۱ است، سازمان در حسابداری کم تر محافظه کار می باشد. وقتی ۰ باشد، ما فرض می کنیم که سازمان با زیان های پیش بینی شده دستکاری نمی کند و بلافاصله زیانها را تصدیق می کند (ضمیمه را برای تعاریف متغیر ببینید).

معیار دوم LLP غیرعادی (اختیاری) است که محافظه کاری حسابداری بانکها را اندازه گیری می کند. این یک معیار مکرر و پذیرفته شده از محافظه کاری بانکی است که به عنوان مقدار مطلق مانده از مدل زیر محاسبه می شود:

$$LLP = \beta_0 + \beta_1 Begl1a + \beta_2 ChangeLoan + \beta_3 NPL + \beta_4 IndNPL + \beta_5 Country + \beta_6 Year + \varepsilon_0 \quad (1)$$

باقیمانده معادله ۱، LLP غیرنرمال می‌باشد. از آنجا که مدیریت سود می‌تواند درآمد را افزایش یا کاهش دهد، ما از مقدار مطلق LLP استفاده می‌کنیم. از طریق رگرسیون پایداری متفاوت درآمدها در طول بانک‌ها افزایش و کاهش می‌یابد، ما ارتباط بین LLPها و تغییرات در وام‌های غیراجرایی و همچنین ارتباط بین اندوخته زیان وام و کل وام‌ها را برآورد می‌کنیم. LLPهای غیرنرمال مولفه درآمدی هستند که انتظار داریم مدیریت شوند. تحقیق تجربی موجود در مورد مدیریت سود در بانک‌ها، ارتباط مثبتی را بین بخش اختیاری LLPها و درآمدها نشان می‌دهد که نشان می‌دهد بانک‌ها از LLPها غیرعادی برای دستکاری درآمدها استفاده می‌کنند (بیتی و همکاران، ۱۹۹۵). از این رو، بخش احتیاطی LLPها غیرعادی به طور منفی با درآمدها مرتبط است که به این معنی است که بانک‌ها از LLPهای غیرعادی برای مدیریت درآمدها استفاده نمی‌کنند. محافظه‌کاری مشروط حسابداری با تفکیک اقلام تعهدی کل به بخش‌های اختیاری و غیراختیاری، در درجه اول با بخش احتیاطی اقلام تعهدی که مدیریت می‌شود، در ارتباط می‌باشد. علاوه بر این، مطالب قبلی نشان می‌دهند که مدیریت سود در قیمت‌های سهام جذب می‌شود زیرا سرمایه‌گذاران مدیران را برای دستکاری درآمدها پیش‌بینی می‌کنند. محافظه‌کاری ممکن است انگیزه‌های مدیران برای مدیریت سود را کاهش دهد. امتیاز سی، سومین معیار محافظه‌کاری حسابداری ما، توسط خان و واتس (۲۰۰۹) براساس مدل باسو (۱۹۹۷) توسعه و اجرا شده است که عدم تقارن زمانی را اندازه‌گیری می‌کند. امتیاز C تغییرات در ویژگی‌های خاص شرکت (اندازه، M / B و اهرم مالی) و سال را در نظر می‌گیرد (خان و واتس، ۲۰۰۹). مدل اصلی باسو (۱۹۹۷) به صورت زیر مشخص شده است:

$$X_i = \beta_1 + \beta_2 D_i + \beta_3 R_i + \beta_4 D_i R_i + \varepsilon_i \quad (2)$$

که در آن  $X_i$  شرکت را نشان می‌دهد،  $R_i$  درآمد است،  $D_i$  بازده و  $D_i R_i$  یک متغیر باینری است که برابر با ۱ می‌باشد اگر  $R_i$  برابر با ۰ و در غیر این صورت برابر با ۰ باشد. بنابراین ضرایب  $\beta_3$  و  $\beta_4$  به موقع بودن اخبار خوب را نشان می‌دهند و افزایش به موقع بودن برای اخبار بد در اخبار خوب (به عنوان مثال، محافظه‌کاری). ما  $\beta_3$  و  $\beta_4$  را به صورت زیر محاسبه می‌کنیم:

$$G\text{-score} = \beta_3 = \mu_1 + \mu_2 \text{size}_i + \mu_3 M / B_i + \mu_4 \text{leverage}_i \quad (3)$$

$$C\text{-score} = \beta_4 = \lambda_1 + \lambda_2 \text{size}_i + \lambda_3 M / B_i + \lambda_4 \text{leverage}_i \quad (4)$$

که در آن اندازه لگاریتم طبیعی ارزش بازار،  $M / B$  نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و اهرم نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام می‌باشد. سپس، ما  $\beta_3$  و  $\beta_4$  محاسبه شده در معادلات (۳) و (۴) را به ترتیب در معادله (۲) جایگزین می‌کنیم. با پیروی از خان و واتس (۲۰۰۹)، ما همچنین سه ویژگی شرکت (اندازه،  $M / B$  و اهرم مالی) را به طور جداگانه در معادله ۲ لحاظ می‌کنیم تا تخمین‌های بهتری از محافظه‌کاری حسابداری داشته باشیم. بنابراین، مدل رگرسیون زیر را بدست می‌آوریم:

$$X_i = \beta_1 + \beta_2 D_i + R_i (\mu_1 + \mu_2 \text{size}_i + \mu_3 M / B_i + \mu_4 \text{leverage}_i) + \varepsilon_i \quad (5)$$

$$\text{leverage}_i) + D_i R_i (\lambda_1 + \lambda_2 \text{size}_i + \lambda_3 M / B_i + \lambda_4 \text{leverage}_i) + (\delta_1 \text{size}_i + \delta_2 M / B_i + \delta_3 \text{leverage}_i + \delta_4 D_i \text{size}_i + \delta_5 D_i M / B_i + \delta_6 D_i \text{leverage}_i) + \varepsilon_i$$

### ۳-۳. اندازه گیری متغیرهای مستقل و کنترل

با پیروی از کوتینا و همکاران (۲۰۱۳) و آلموتویری و کوتینا (۲۰۱۷)، ما از اسلام به عنوان یک متغیر دو دویی استفاده می کنیم که برابر با ۱ می باشد اگر موسسه مالی یک بانک اسلامی باشد و در غیر این صورت برابر با ۰ است. اندازه هیئات به عنوان تعداد کل مدیرانی که در هیئات مدیره خدمت می کنند تعریف می شود. علاوه بر این، استقلال هیئات مدیره (استقلال هیئات مدیره) متوسط تصدی همه مدیران خارجی تقسیم بر کل تصدی برای همه مدیران در هیئات مدیره می باشد (هانگ، ۲۰۱۳). شهرت مدیران مستقل (شهرت هیئات مدیره) یک متغیر دو دویی برابر با ۱ است اگر یک مدیر مستقل نیز در هیئات مدیره بیش از سه شرکت دیگر باشد (فیک و شیوداسانی، ۲۰۰۷). دوران تصدی مدیران مستقل (تصدی هیئات مدیره) به عنوان سال های جلسه سالانه منهای سال شروع ریاست، منهای هر گونه وقفه در خدمات ریاست، اندازه گیری می شود (هانگ، ۲۰۱۳). با پیروی از شاخص بلانو، ما سن تنوع هیئات مدیره (سن تنوع هیئات مدیره) و جنسیت تنوع هیئات مدیره (جنسیت تنوع هیئات مدیره) را به صورت  $1 - \sum_{i=1}^S p_i^2$  محاسبه می کنیم که در آن S تعداد دسته ها و p کسری از مدیران متعلق به دسته i می باشد (بلاو، ۱۹۷۷).

همانند متغیرهای کنترل، ما چندین ویژگی بانکی را در نظر می گیریم که می توانند بر مدیریت سود به طور خاص تاثیر بگذارند که هر دو به عنوان نماینده محافظه کاری حسابداری در تجزیه و تحلیل تجربی مورد استفاده قرار می گیرند. ما فرصت های رشد (رشد) را کنترل می کنیم که به صورت نسبت ارزش حقوق صاحبان سهام  $M/B$  از آغاز تا پایان سال t اندازه گیری می شود.

ارزش تعیین شده توسط فرصت های رشد شرکت و سودهای نامتقارن گذشته، در نسبت  $M/B$  منعکس می شود (لافوند و رویچودهوری، ۲۰۰۸؛ رویچودهوری و واتس، ۲۰۰۷). لوبو، و همکاران (۲۰۰۸) نشان می دهند که بانک هایی با فرصت های رشد، محافظه کاری حسابداری بیشتری را در گزارش مالی خود نشان می دهند. در مقابل، محافظه کاری حسابداری در شرکت های با رشد بالا کم تر نمایان است که تمایل به نشان دادن رفتار گزارش دهی تهاجمی تری دارد (لوبو و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین از آنجا که ارتباط بین فرصت های رشد و محافظه کاری حسابداری نامشخص است، ما قادر به پیش بینی علامت رشد نیستیم. اندازه بانک (اندازه بانک) به عنوان لگاریتم طبیعی کل دارایی ها در پایان سال اندازه گیری می شود. برخلاف شرکت های کوچک، شرکت های بزرگ دارای عدم تقارن زمانی متفاوتی از درآمدها هستند (گیولی و همکاران، ۲۰۰۷) و حسابرسی محافظه کارانه کمتری را نشان می دهند زیرا آن ها اطلاعات بیشتری را با استفاده از روش های مختلف انتشار اطلاعات برای عموم فاش می کنند. (لافوند و واتس، ۲۰۰۸) در مقابل، شرکت های بزرگ با ریسک عملیاتی پایین تر مواجه می شوند و بنابراین شیوه های حسابداری محافظه کارانه تری را اتخاذ می کنند (کالن و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین ما انتظار ارتباط بین فرصت های رشد و محافظه کاری حسابداری را داریم اما علامت اندازه بانک را پیش بینی نمی کنیم.

ما همچنین جریان نقدی عملیاتی (تغییر جریان نقدی) را کنترل می کنیم زیرا شرکت های سودآور تمایل به محافظه کاری بیشتری در گزارش مالی خود دارند (آ. اس. احمد و دولمان، ۲۰۰۷). ما متغیر را به عنوان تغییر در جریان های نقدی (درآمد قبل از مالیات و LLPها) در طول سال t با شروع کل دارایی ها، محاسبه می کنیم. علاوه بر این، اندوخته زیان وام (Allowance) به عنوان اندوخته زیان کل وام در پایان سال t که به ترتیب با دارایی های کل در آغاز سال t مقیاس گذاری می شود، کنترل و محاسبه می شود. آندریو و همکاران (۲۰۱۷) استدلال می کنند که مدیران بانکی که از

محافظه کاری حسابداری برای گزارش مالی خود استفاده می کنند، LLPهای کافی را به طور مداوم در هر دوره براساس پیش بینی خود از تعادل سود وام و زیان های مورد انتظار، تشخیص می دهند. بنابراین ما انتظار یک ارتباط مثبت بین Allowance و محافظه کاری حسابداری را داریم.

علاوه بر این ما ریسک در دارایی های کل (دارایی های پر ریسک) را کنترل می کنیم که به عنوان دارایی های پر ریسک کل مقیاس بندی شده توسط دارایی های کل در آغاز سال t محاسبه می شوند، تا تفاوت های موجود در ریسک های بالقوه در میان بانک ها را منعکس کنند (کوتینا و آلموتیری، ۲۰۱۷). ما انتظار داریم که مدیران بانک که حسابرسی محافظه کارانه را انجام می دهند با احتمال کمتری در دارایی های پر ریسک سرمایه گذاری کنند. در نهایت ما از شاخص های کشور و سال برای کنترل اثرات بالقوه سایر عوامل سطح کشور و عوامل سال در نتایج خود استفاده می کنیم.

#### ۴. نتایج تجربی

##### ۴-۱. آمار توصیفی

جدول ۲ آمار توصیفی برای متغیرهای مورد استفاده در آزمون های ما را نشان می دهد. میانگین زیان گریزی بانک های اسلامی و بانک های تجاری به ترتیب ۲۶ و ۳۰ درصد می باشد. همچنین در بانک های اسلامی، میانگین LLP غیرنرمال و میانگین امتیاز سی ۰/۱ و ۰/۹ درصد است، در حالی که در بانک های تجاری، میانگین LLP غیرنرمال و میانگین امتیاز ۰/۳ و ۳ درصد می باشد. این ارقام نشان می دهند که محافظه کاری حسابداری در بانک های اسلامی بیشتر نمایان می باشد.

جدول ۲. خلاصه آماری متغیرها (n = ۳,۷۷۲)

Table 2: Current strategies

متغیر	CBs خلاصه آماری متغیر CB (n=۱/۸۸۶)					IB خلاصه آماری متغیر IB (n=۱/۸۸۶)				
	Mean	SD	Min	Med	Max	Mean	SD	Min	Med	Max
محافظه کاری حسابداری	۰/۳۰	۰/۴۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۲۶	۰/۴۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰
زیان گریزی										
LLP غیرعادی	۰/۰۰۳	۰/۰۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۴	۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۴
C-score	۰/۰۳	۰/۹۵	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۷۹	۰/۰۹	۰/۶۹	۰/۰۷	۰/۱۵	۰/۹۹
ویژگی های بانک لگاریتم دارایی ها	۱۲/۰۰	۴/۷۵	۹/۴۷۰	۷/۷۰	۱۲/۰۵	۱۶/۰۰	۵/۶۰	۸/۴۰	۹/۴۰	۱۴/۹۵
رشد	۰/۱۱	۰/۲۳	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۴۵	۰/۱۸	۰/۴۵	۰/۰۰	۰/۰۶	۰/۲۱
نرخ وام	۰/۵۷	۰/۵۸	۰/۱۳	۰/۲۲	۰/۴۸	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۱۴	۰/۴۲	۰/۶۲
تغییر جریان نقدی	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۳
Allowance	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۷
دارایی های پر ریسک	۰/۶۸	۰/۳۶	۰/۵۲	۰/۶۱	۰/۷۷	۰/۳۷	۰/۲۵	۰/۳۸	۰/۴۶	۰/۵۶
Beglla	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱
تغییر وام	-۰/۰۶	۰/۳۵	-۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۰	-۰/۰۴	۰/۳۰	-۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۰۰
NPL	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۴
IndNPL	۰/۴۰	۰/۳۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۲۰	۰/۲۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰
بازده	۵/۰۹	۳۸/۴۹	-۱۹/۳۳	۰/۶۶	۹۰/۵۰	۴/۶۹	۴۰/۴۲	-۱۵/۳۳	۰/۲۶	۸۵/۵۵

متغیر	CBs خلاصه آماری متغیر CB (n=۱/۸۸۶)					IB خلاصه آماری متغیر IB (n=۱/۸۸۶)				
	Mean	SD	Min	Med	Max	Mean	SD	Min	Med	Max
<b>ویژگی های هیئت مدیره</b>										
اندازه هیئت مدیره	۱۰/۱۰	۸/۲۲	۵/۰۰	۱۰/۰۰	۱۲/۰۰	۱۳/۱۳	۹/۰۲	۷/۰۰	۱۲/۰۰	۱۵/۰۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۴۱	۰/۴۲	۰/۰۰	۰/۲۰	۰/۸۲	۰/۵۰	۰/۴۸	۰/۰۰	۰/۴۰	۰/۸۰
شهرت هیئت مدیره	۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۹	۰/۱۳	۰/۲۰	۰/۱۶	۰/۰۰	۰/۱۹	۰/۲۲
دوره تصدی هیئت مدیره	۵/۵۳	۲/۵۵	۰/۰۰	۶/۵	۱۲/۰۰	۶/۷۵	۱/۸۸	۰/۰۰	۵/۲۵	۱۴/۰۰
سن مدیر هیئت مدیره	۵۰/۹۴	۵۶/۶۷	۴۹/۰۰	۵۴/۷۳	۶۸/۰۰	۴۷/۴۸	۵۵/۸۶	۳۵/۰۰	۴۷/۰۰	۵۵/۰۰
(۱=زن) جنسیت مدیر هیئت مدیره	۰/۴۲	۰/۳۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۵۵	۰/۵۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰

جدول ۳. آزمون های تک متغیره بین بانک های اسلامی و بانک های تجاری

Table 3: Current strategies

	CBs			IBs				t value
	N	Mean	SD	N	Mean	SD	Diff.	
زیان گریزی	۱/۸۸۶	۰/۳۰	۰/۴۸	۱/۸۸۶	۰/۲۶	۰/۴۶	۰/۲۵***	۱/۹۴
LLP غیرعادی	۱/۸۸۶	۰/۰۰۳	۰/۰۷	۱/۸۸۶	۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۰۶***	۳/۰۲
C-score	۱/۸۸۶	۰/۳۰	۰/۹۵	۱/۸۸۶	۰/۰۹	۰/۶۹	۰/۰۶۲***	۲/۵۸
لگاریتم دارایی	۱/۸۸۶	۱۲/۰۰	۴/۷۵	۱/۸۸۶	۱۶/۰۰	۵/۶۰	۰/۰۸***	۳/۲۵
رشد	۱/۸۸۶	۰/۱۱	۰/۲۳	۱/۸۸۶	۰/۱۸	۰/۴۵	۰/۰۲۹**	۱/۹۷
نرخ وام	۱/۸۸۶	۰/۵۷	۰/۵۸	۱/۸۸۶	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۲۴***	۱/۳۳
تغییر جریان نقدی	۱/۸۸۶	۰/۰۲	۰/۰۳	۱/۸۸۶	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۰۴	۱/۲۲
Allowance	۱/۸۸۶	۰/۰۲	۰/۰۰	۱/۸۸۶	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۳۲***	۲/۸۰

جدول ۴. ماتریس همبستگی پیرسون برای متغیرهای مورد استفاده در تحلیل رگرسیون

Table 4: Current strategies

		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	زیان گرمیزی	۱/۰۰													
۲	LLP غیرعادی	۰/۱۵	۱/۰۰												
۳	C-score	۰/۰۹	۰/۰۹	۱/۰۰											
۴	اسلامی	۰/۰۵*** -	-۰/۰۷**	۰/۳۴***	۱/۰۰										
۵	اندازه هیئت مدیره	۰/۱۰*** -	-۰/۱۰**	۰/۰۹*	-۰/۱۴**	۱/۰۰									
۶	استقلال هیئت مدیره	۰/۰۸*** -	۰/۰۹***	۰/۲۳***	-۰/۲۷**	-۰/۲۹**	۱/۰۰								
۷	شهرت هیئت مدیره	۰/۱۲** -	-۰/۱۱**	۰/۰۳**	-۰/۱۱۰***	-۰/۱۰***	۰/۱۳** -	۱/۰۰							
۸	دوره تصدی هیئت مدیره	۰/۱۳** -	-۰/۲۳**	۰/۱۰**	-۰/۲۵**	-۰/۴۵**	-۰/۳۹*	-۰/۵۰**	۱/۰۰						
۹	تنوع سنی هیئت مدیره	۰/۲۶*** -	۰/۲۲***	۰/۶۳***	-۰/۶۹***	-۰/۵۷***	۰/۴۵*** -	-۰/۴۷***	-۰/۵۰***	۱/۰۰					
۱۰	تنوع جنسیتی هیئت مدیره	۰/۰۵** -	-۰/۱۲**	۰/۱۱**	-۰/۲۵**	-۰/۰۶*	-۰/۰۴*	-۰/۲۰***	-۰/۲۱***	۰/۰۹*** -	۱/۰۰				
۱۱	اندازه بانک	۰/۱۳** ۰	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۹***	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۴*	۰/۷۲***	۰/۷۰*	۰/۰۱	۱/۰۰			
۱۲	رشد	-۰/۰۷۰**	-۰/۰۵*	۰/۰۳**	-۰/۱۵*	-۰/۲۴***	۰/۲۸*** -	-۰/۳۰**	-۰/۹۴**	-۰/۹۱**	-۰/۱۱**	-۰/۰۱	۱/۰۰		
۱۳	تغییر جریان نقدی	۰/۱۵** -	-۰/۳۰**	۰/۰۷***	-۰/۱۰**	-۰/۲۳**	۰/۳۰** -	-۰/۴۰***	-۰/۵۴***	-۰/۶۱**	-۰/۴۱*	۰/۰۸*	۰/۰۴	۱/۰۰	
۱۴	Allowance	۰/۲۴**	۰/۱۴**	۰/۱۱**	۰/۲۶**	۰/۴۰**	۰/۳۷**	۰/۳۲**	۰/۶۴**	۰/۱۰*	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۳۱	۰/۰۹	۱/۰۰
۱۵	دارایی پر ریسک	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۹**	۰/۰۵*	۰/۰۷**	۰/۱۲** ۰	۰/۴۶***	۰/۱۸***	۰/۲۱***	۰/۱۸***	۰/۱۶***	۰/۰۰	۰/۰۷*	۰/۰۳

جدول ۵. تأثیر بانک های اسلامی بر محافظه کاری حسابداری

Table 5: Current strategies

متغیر	(۱) زیان گریزی	(۲) LLP غیرعادی	(۳) C-score
اسلامی	-۰/۵۴*** (-۴/۵۰)	-۰/۳۶** (-۳/۳۳)	۰/۱۵*** (۲/۱۹)
اندازه بانک	۱/۶۹** (۷/۰۳)	۰/۶۵* (۵/۸۰)	۰/۹۸** (۲/۱۹)
رشد	۰/۸۹ (-۳/۱۹)	۰/۵۴* (۳/۱۸)	۰/۵۲* (۰/۳۵)
تغییر جریان نقدی	-۹/۰۵** (-۷,۰۵)	-۱۱/۷۵** (-۵/۵۸)	۸/۰۰*** (۴/۹۸)
Allowance	-۷/۶۴* (۷/۲۱)	-۰/۷۷ (-۳/۰۰)	۷/۵۵ (۳/۴۰)
دارایی پر ریسک	۰/۳۰ (۰/۹۱)	۰/۷۷** (۵/۵۰)	۰/۹۲** (۱/۹۱)
اثرات سال و کشور	Y	Y	Y
مشاهدات	۳/۷۷۲	۳/۷۷۲	۳/۷۷۲
Adj. R <sup>2</sup>	۰/۳۶	۰/۳۵	۰/۳۰

آماره ی تی استواری ناهم واریانسی یا آماره ی Z داخل پرانتز است. معناداری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد به ترتیب با \*، \*\* و \*\*\* نشان داده می شود.

به علاوه جدول ۲ اختلاف های قابل توجه میان دو نمونه فرعی بر حسب مشخصه های بانک را نشان می دهد. برای نمونه IBها در مقایسه با CBها بزرگتر هستند، نرخ رشد بالاتری دارند، وام های کمتر و اندوخته بزرگتری برای زیان های وام دارند، و سرمایه گذاری کمتری در دارایی های پر ریسک انجام می دهند. تعداد مدیران IB به طور میانگین از دو برابر تعداد مدیران CB بیشتر می شود. به علاوه اتاق های هیئت رئیسه IB نسبت به اتاق های هیئت رئیسه CBها نسبت بالاتری از مدیران مستقل دارند. علاوه بر این مدیران مستقل در IBها تصدی طولانی تر در هیئت مدیره دارند و شهرت بهتری نسبت به همتایان CB دارند. اگرچه سن میانگین مدیران در هر دو نوع بانک در محدوده ۵۰-۳۰ سال قرار می گیرد (فورد، ۱۹۹۲)، سن میانگین مدیران در IBها کمتر است. مدیران جوان تر برای پذیرش ایده های جدید و یادگیری رفتارهای تازه توان ذهنی و فیزیکی بیشتری دارند (کوفوپولوس و همکاران، ۲۰۰۸). این مسئله باید در IBها مشهودتر باشد چراکه اندازه و جاذبه بانکداری اسلامی حتی در کشورهای غیرمسلمان در حال رشد است. همچنین هیئت رئیسه های IBها هم مدیران زن بیشتری نسبت به CBها دارند. این با داشتن موقعیت تصمیم گیری و سهم مثبت زن در اجتماع، تصویر بهتری از زن در اسلام ایجاد می کند.

جدول ۳ آزمون های تک متغیره میان CBها و IBها را نشان می دهد. این جدول نشان می دهد که مقادارهای میانگین زیان گریزی CBها و IBها به ترتیب ۳۰ درصد و ۲۶ درصد است که اختلاف اهمیت آماری در سطح ۱ درصد دارد. به علاوه مقدار LLP غیرعادی برای CBها برابر ۰/۱ درصد و برای IBها برابر ۰/۳ درصد است که اهمیت اختلاف میانگین در سطح ۱ درصد است. برای نشانه سوم محافظه کاری حسابداری یعنی C-Score، میانگین برای CBها ۳ درصد و برای IBها ۹ درصد است و اختلاف میانگین قابل توجه در سطح ۱ درصد است. این یافته های اولیه نشان می دهد IBها سیاست های حسابداری محافظه کارانه تری نسبت به CBها دارد که البته در ابتدا فرضیه ۱ را تایید می کند.

#### ۲-۴. نتایج اصلی

سپس یک ماتریس وابستگی دو به دو تولید می کنیم تا از عدم وجود وابستگی قابل توجه میان متغیرهای مستقل و وابسته اطمینان حاصل کنیم. این ماتریس بینش بزرگی ارائه می کند، البته قبل از اجرای هر آزمون تک متغیره یا روش های رگرسیونی. ضریب های همبستگی پیرسون در جدول ۴ نشان داده می شود. همه وابستگی ها میان معیارهای اسلامی و محافظه کارانه به لحاظ آماری مهم هستند (مقدار  $p < ۰/۰۰۱$ ). این یافته های اولیه نشان می دهد مدیران IBها محافظه کاری حسابداری بیشتری در گزارش دهی مالی نسبت به همتایان خود در CBها دارند. به علاوه اندازه، استقلال، شهرت، مدت تصدی، تنوع سنی، و تنوع جنسیتی هیئت مدیره با معیارهای محافظه کاری ارتباط آماری دارد. در مجموع، این نتایج اولیه فرضیه ۲ را از طریق ۶ تایید می کند.

برای دیدن این که هم خطی میان متغیرهای مستقل در بین متغیرها وجود دارد یا نه، رویه هایر و همکاران (۱۹۹۸) را دنبال می کنیم. این تحلیل مقادارهای ضریب تورم واریانس (VIF) را برای دو مدل محاسبه می کند. همه مقادارهای VIF در جدول ۴ کمتر از مقدار آستانه ۱۰ است که توسط هایر و همکاران (۱۹۹۸) پیشنهاد شد.

جدول ۵ نتایج ارزیابی خطای استاندارد قوی خوشه OLS با تخمین و مقایسه نحوه تاثیرگذاری سازوکارهای درونی حاکمیتی شرکت بر محافظه کاری حسابداری IBها در مقایسه با CBها و با استفاده از سه معیار متفاوت را نشان می دهد. این جدول ضریب های استاندارد نشده بتا و خطاهای استاندارد (در پرانتزها) را همراه با سطح اهمیت این ضریب ها ارائه می کند. ستون های ۱، ۲ و ۳ نتایج تاثیر سازوکارهای حاکمیت داخلی بر محافظه کاری حسابداری را با استفاده از سه معیار مختلف به ترتیب زیان گریزی، LLP غیرعادی، و امتیاز C نمایش می دهند.

فرضیه ۱ IBها را در گزارش دهی مالی خود محافظه کارتر از CBها نشان می دهد. ضریب در اسلامی منفی است و به لحاظ آماری برای زیان گریزی در مقدار  $p$  کمتر از  $۰/۰۰۱$  و برای LLP غیرعادی در مقدار  $p$  کمتر از  $۰/۰۵$  مهم است. تحت معیار امتیاز C، اسلامی بودن در مقدار  $p$  کمتر از  $۰/۰۰۱$  مثبت به لحاظ آماری مهم است. این نتایج نشان می دهد که اسلامی فارغ از این که رگرسیون برای تاثیرات کشور و سال تطبیق داده شده و برای دربرگیری متغیرهای کنترل قدرتمند است، بر محافظه کاری حسابداری تاثیر مثبت دارد. بنابراین نتایج گزارش شده در ستون های ۱، ۲ و ۳ پیشنهاد می کند که افزایش یک واحدی در اسلامی بودن به ترتیب با میانگین ۵۴ درصد، ۳۶ درصد و ۱۵ درصد همراه است، و احتمال محافظه کارتر بودن در گزارش دهی حسابداری را افزایش می دهد. این با یافته های العباد (۲۰۱۶) سازگار است که می گوید بخاطر ریسک بالاتر تعقیب قضایی، IBها اظهارنامه های مالی محافظه کارتی نسبت به CBها دارد.

جدول ۶. ارتباط بین مکانیسم حاکمیت داخلی و محافظه کاری حسابداری

Table 6: Current strategies

متغیر	(۱) زیان گریزی	(۲) LLP غیرعادی	(۳) C-score
اندازه هیئت مدیره	-۰/۳۳*** (-۱/۴۵)	-۰/۱۱** (-۴/۳۲)	۰/۴۶*** (۳/۰۰)
استقلال هیئت مدیره	-۱/۴۹*** (-۰/۸۳)	-۰/۱۸** (-۱/۶۳)	۹/۸۰*** (۹/۰۲)
شهرت هیئت مدیره	-۰/۹۱** (-۱/۹۵)	۰/۰۵۲* (-۱/۹۵)	۶/۳۳** (۶/۴۰)
دوره تصدی هیئت مدیره	-۱/۵۰*** (-۷,۰۵)	-۰/۵۳*** (-۳/۸۵)	۰/۷۵*** (۸/۳۳)
تنوع سنی هیئت مدیره	-۰/۸۵*** (-۲/۱۰)	-۰/۹۹*** (-۱/۹۲)	۰/۸۵** (۰/۱۸)
تنوع جنسیتی هیئت مدیره	-۰/۳۷۲* (-۱/۷۷)	-۰/۰۰۱*** (-۳/۱۲)	۰/۰۳۳*** (۴/۲۵)
اندازه بانک	۱/۵۹*** (۵/۰۳)	۰/۵۳** (۴/۴۸)	۰/۲۵** (۲/۹۴)
رشد	۰/۸۹ (-۱/۹۹)	۰/۱۶* (۲/۰۸)	۰/۳۹** (۰/۵۳)
تغییر جریان نقدی	-۱۵/۸۵*** (-۴/۹۵)	-۱۴/۷۵*** (-۷/۴۸)	۸/۱۱** (۵/۱۰)
Allowance	-۵/۴۴* (-۴/۱۱)	-۰/۹۷ (-۱/۶۴)	۶/۳۴ (۲/۲۴)
دارایی پر ریسک	۰/۳۰۵ (۰/۶۱)	۰/۸۹** (۲/۰۵)	۰/۴۵** (۲/۱۷)
اثرات سال و کشور	Y	Y	Y
مشاهدات	۱/۸۸۶	۱/۸۸۶	۱/۸۸۶
R <sup>2</sup>	۰/۴۶	۰/۴۳	۰/۴۷

آماره ی تی استواری ناهم واریانسی یا آماره ی Z داخل پرانتز است. معناداری در سطح ۱، ۵، ۱۰ و ۱ درصد به ترتیب با \*، \*\* و \*\*\* نشان داده می شود.

مدیریت محتاط دارایی ها و تعهدات IBها دیگر مشروعیت شریعت را زیر پا نمی گذارد، چرا که مدیریت IBها تنها در کار با سپرده گذاران است (ک. حسن و لویس، ۲۰۰۹). رعایت اصول اسلامی مستلزم محافظه کاری بیشتر برای کاهش تمایل و توانایی مدیران در دستکاری آمار حسابداری است. بنابراین به طور میانگین افزایش یک واحدی در IBها با افزایش ۳۵ درصدی در محافظه کاری حسابداری همراه است که در نتیجه کیفیت آشکارسازی داده مالی را افزایش می

دهد. بنابراین فرضیه ۱ تایید می شود. در مورد متغیرهای کنترل، ضریب های آنها به لحاظ آماری مهم هستند و همراستا با ضریب های گزارش شده در مطالعات قبلی می باشند.

جدول ۶ نتایج رگرسیون برای فرضیه ۲ از طریق ۶ را نشان می دهد. نتایج رگرسیون را برای هر یک از سه معیار محافظه کاری به طور جداگانه ارائه می کنیم. فرضیه ۲ پیش بینی می کند که اندازه هیئت مدیره بر محافظه کاری حسابداری تاثیر می گذارد. تحت مدل های اول و دوم، علامت اندازه هیئت مدیره در مقدار  $p$  کمتر از ۱۰ و ۵ درصد به ترتیب منفی و قابل توجه است، که نشان می دهد افزایش اندازه هیئت مدیریت IBها تاثیر وارون بر انگیزه مدیران برای دستکاری فرآیند گزارش دهی حسابداری است. این یافته ها نشان می دهد اندازه هیئت مدیره IBها تاثیر بر رفتار نظارتی مدیریت در دستکاری درآمدها ندارد. برین باوم (۱۹۸۴) دریافت بانک های دارای هیئت رئیسه بزرگ خطر کمتری دارند، و پن و جاگی (۲۰۰۰) ادعا کردند هیئت های بزرگ تر با تقارن اطلاعاتی کمتری همراه هستند. به علاوه این نتیجه با نظر ففر و سالانیک (۲۰۰۳) نیز سازگار است که پیشنهاد می دهند هیئت های بزرگ تر در بودجه بندی، افزایش سرمایه بیرونی و مدیریت نسبت بدهی به دارایی بهتر عمل می کنند. به همین ترتیب، اندازه بزرگ تر هیئت مدیره تاثیر مثبت برای شیوه های اخلاقی گزارش دهی دارد.

تحت مدل امتیاز C، اندازه هیئت مدیره در مقدار  $p$  کمتر از ۰/۰۱ مثبت و به لحاظ آماری قابل توجه و مهم است که نشان می دهد هیئت های بزرگ تر محافظه کاری حسابداری را بیشتر می کنند. این یافته با نظر بوسعید و همکاران (۲۰۱۵) نیز سازگار است که نشان می دهد هیئت های مدیره بزرگ تر ریسک گزارش دهی حسابداری را کاهش می دهند و شیوه های حسابداری محافظه کارانه را تضمین می کنند. در مجموع میان محافظه کاری حسابداری و اندازه هیئت مدیره رابطه ای وجود دارد که فرضیه ۲ را تایید می کند.

فرضیه ۳ نشان می دهد یک رابطه مثبت میان استقلال هیئت مدیره و محافظه کاری حسابداری وجود دارد. استقلال حسابداری رابطه منفی و به لحاظ آماری (مهمی) با زیان گریزی و LLP غیرعادی در مقدار  $p$  کمتر از ۰/۰۵ دارد. نتایج ما با نتایج گزارش شده در مقالات پیسنل و همکاران (۲۰۰۰) و کوتاین و همکاران (۲۰۱۳) که نشان می دهند وجود مدیران مستقل رابطه منفی با درآمد، افزایش مدیریت عایدی ها و فعالیت های زیان گریزی دارد، سازگار است. همچنین یافته های ما همراستا با یافته های گزارش شده توسط کوتاینه و الموتایی (۲۰۱۷)، کلین (۲۰۰۲)، و ژی و همکاران (۲۰۰۳) است که یک رابطه وارون میان مدیریت عایدی ها و وجود مدیران مستقل را نشان می دهند.

در مورد معیار امتیاز C، ضریب استقلال هیئت مدیره علامت مثبت دارد (مقدار  $p$  کمتر از ۰/۰۱) که نشان می دهد IBها با تعداد بیشتر مدیران مستقل شیوه های محافظه کارانه تری در گزارش دهی مالی خود بکار می گیرند. این نتیجه با نظر بیکس و همکاران (۲۰۰۴) سازگار است که نشان می دهد هیئت هایی با نسبت بالاتر مدیران مستقل احتمال بیشتری برای شناسایی اخبار بد در عایدی ها در مبنای منظم دارند.

در مجموع در IBها، مدیران مستقل نه تنها وسوسه مدیریت عایدی ها را محدود می کنند، بلکه مدیران را تشویق به اتخاذ شیوه های حسابداری محافظه کارانه تری می کنند. بنابراین هرچه مدیران مستقل بیشتر در هیئت مدیره IBها حضور داشته باشند، IBها در گزارش دهی مالی محافظه کارتر می شود که فرضیه ۳ را تایید می کند.

فرضیه ۴ یک رابطه مثبت میان شهرت مدیریت مستقل و گزارش دهی اخلاقی در محافظه کاری حسابداری را انتظار دارد. ستون های ۱ و ۲ جدول ۶ نشان می دهد شهرت هیئت مدیره به لحاظ اقتصادی ارتباط منفی و مهمی با زیان

گریزی در سطح ۰/۰۵، و LLP غیرعادی در سطح ۰/۱۰ دارد. برای معیار امتیاز C، همانطور که در ستون ۳ نشان داده می شود، شهرت هیئت مدیره در مقدار p کمتر از ۰/۰۵ مثبت و به لحاظ آماری مهم است. مدیران مستقل منابع بیشتری برای شرکت می آورند و نظارت کننده های بهتری روی اقدامات مدیریت هستند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). بنابراین چند رئیس می تواند به افزایش فوری در کارایی نظارتی هیئت مدیره بیانجامد (شیوداسانی، ۱۹۹۳). یافته های ما با یافته های گزارش شده در مقالات موزلیس و موبز (۲۰۱۱) و موبز (۲۰۱۳) سازگار است. نتایج آنها نشان می دهد یک عضو هیئت مدیره با چند مدیریت تصمیمات بهتری می گیرد و مدیریت اجرایی شامل مدیرعامل را با دقت بیشتر و بهتر تحت نظارت قرار می دهد. به طور خلاصه نتایج ما در جدول ۶ نشان می دهد مدیران مستقل مشهور در IBها احتمال بیشتری برای ارتقا و پشتیبانی از اتخاذ خط مشی های حسابداری محافظه کارانه دارند. بنابراین فرضیه ۴ مورد تایید است.

فرضیه ۵ به ارتباط میان مدت تصدی مدیر مستقل و محافظه کاری حسابداری مربوط می شود. ستون های ۱ و ۲ همان جدول نشان می دهد تصدی هیئت مدیره رابطه منفی با اجتناب از زیاد و LLP غیر عادی دارد. هر دو رابطه در مقدار p کمتر از ۰/۰۵ مهم و قابل توجه هستند. در ستون ۳، تصدی هیئت مدیره رابطه مثبت و قابل توجهی با امتیاز C در سطح ۰/۰۱ دارد. این نشان می دهد مدیران مستقل متصدی تاثیر منفی بر شیوه های حسابداری خودمحور تاثیر منفی دارند. یعنی هرچه مدت تصدی یک مدیر مستقل بیشتر باشد، مدیران IBها در گزارش دهی مالی محافظه کارتر هستند. یافته های ما با یافته های گزارش شده با نشریات قبلی سازگاری دارد که نشان می دهد مدیران متصدی ناظران موثری هستند و بنابراین بهتر می توانند کلاهبرداری را کشف کنند (باسلی، ۱۹۹۶؛ بربریچ و نیو، ۲۰۱۱؛ بونینی و همکاران، ۲۰۱۵؛ راترفورد و بوشولتز، ۲۰۰۷؛ اشناک و همکاران، ۲۰۰۵؛ شارما، ۲۰۱۱؛ وافس، ۲۰۰۳). به علاوه یافته های ما با بونینی و همکاران (۲۰۱۵) همراستا است که نشان می دهد مدیران مستقل متصدی ناظران بهتری هستند و توانایی جمع آوری، حفظ و به اشتراک گذاری اطلاعات ارزشمند در مورد شرکت به شکلی را دارند که ایجاد پایداری می کند؛ آنها دانش بیشتری در مورد شرکت دارند، تجربه حاکمیتی بیشتری دارند، و سهم بیشتری در بحث های هیئت مدیره دارند. بنابراین فرضیه ۵ تایید می شود.

جدول ۶ نتایج تاثیر تنوع هیئت مدیره بر حسب سن و جنسیت بر محافظه کاری حسابداری را نشان می دهد. تحت اولین و دومین معیار محافظه کاری حسابداری، ضریب تنوع سنی هیئت مدیره در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ به ترتیب منفی و به لحاظ آماری قابل توجه است. با این حال در مدل امتیاز C، تنوع سنی هیئت مدیره در مقدار p کمتر از ۰/۰۵ مثبت و به لحاظ اقتصادی قابل توجه است. این یافته ها نشان می دهد تنوع سنی بیشتر در هیئت مدیره در شیوه های محافظه کارانه تر حسابداری در IBها سهم دارد. تنوع بیشتر در سن مدیران هیئت مدیره می تواند بینش ها و چشم اندازهای متفاوتی به همراه داشته باشد که فرهنگ بحث و گفتگو را تشویق می کند، ظرفیت کلی حل مسئله در جلسات را بیشتر می کند، و مهارت های نظارتی مدیران برای پیشگیری از خلاف کاری را افزایش می دهد. این می توان به صورت یک بررسی تلاش های مدیریت برای درگیر شدن در فرصت های کاری سودآور بدون محدودیت های اخلاقی عمل کند.

به علاوه جدول ۶ نشان می دهد تنوع جنسیتی هیئت مدیره رابطه منفی و قابل توجهی با زیان گریزی (مقدار p کمتر از ۰/۱۰) و با LLP غیرعادی (مقدار p کمتر از ۰/۰۱) دارد. برای مدل امتیاز C در ستون ۳، تنوع جنسیتی هیئت مدیره در مقدار p کمتر از ۰/۰۱ مثبت و قابل توجه است. این نشان می دهد تنوع جنسیتی هیئت مدیره نظارت را بهبود می بخشد

که در مقابل احتمالاً نیازمند درجه بالاتری از تایید برای گزارش دهی اخبار خود به جای اخبار بد در صورت حساب های مالی است. در مجموع محافظه کاری حسابداری در IBها وقتی بالاتر است که هیئت های آنها تنوع سنی و جنسیتی بالایی دارند. بنابراین فرضیه ۶ در شکل منفی رد می شود. چراکه برای متغیرهای کنترل، به نظر می رسد همه علامت های مورد انتظار خود را دارند.

جدول ۷. تأثیر ویژگی های هیئت مدیره بانک های سازگار با شریعت بر محافظه کاری حسابداری؛ در طول بحران مالی و قبل و بعد از آن

Table 7: Current strategies

متغیر	قبل از بحران مالی			در طول بحران مالی و بعد از آن		
	(۱) زبان گریزی	(۲) LLP غیرعادی	(۳) C-score	(۱) زبان گریزی	(۲) LLP غیرعادی	(۳) C-score
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۵** (-۳/۶۲)	-۰/۲۳** (-۶/۱۳)	۰/۰۵۵** (۳/۲۹)	-۰/۰۳۱** (-۴/۱۹)	-۰/۰۵۳** (-۳/۰۷)	۰/۱۴** (۶/۲۲)
استقلال هیئت مدیره	-۰/۱۹۸*** (-۴/۸۱)	-۰/۴۴** (-۲/۲۴)	۰/۴۴** (۰/۳۳)	-۰/۰۴۹*** (-۸/۱۳)	۰/۲۹** (-۷/۴۵)	۰/۸۶** (۳/۵۷)
شهرت هیئت مدیره	-۰/۰۱** (-۲/۶۸)	-۰/۲۱** (-۴/۲۷)	۰/۴۹*** (۳/۲۶)	-۰/۱۶** (-۷/۱۰)	-۰/۳۱** (-۶/۵۲)	۰/۵۸** (۳/۸۳)
دوره تصدی هیئت مدیره	-۰/۰۰۵** (-۱,۰۴)	-۰/۱۷۵** (-۸/۹۹)	۰/۲۱۵** (۵/۰۵)	-۰/۰۵۴* (-۵,۷۹)	-۰/۰۵۳* (-۷/۴۴)	۰/۶۸* (۶/۸۰)
تنوع سنی هیئت مدیره	-۰/۰۴۱* (-۳/۷۶)	-۰/۴۱** (۳/۸۱)	۰/۷۳** (۴/۲۹)	-۰/۰۰۵** (-۲/۷۷)	-۰/۰۳۰* (-۲/۷۰)	۰/۰۴۰* (۵/۷۶)
تنوع جنسیتی هیئت مدیره	-۰/۰۰۹** (-۲/۸۷)	-۰/۰۵۱*** (-۷/۳۷)	۰/۳۸** (۲/۲۲)	۰/۰۴۱* (۲/۴۲)	-۰/۰۰۷* (-۵/۸۷)	۰/۰۵۶* (۵/۲۰)
اندازه بانک	۰/۰۰۵** (۴/۱۲)	۰/۱۲۱** (۶/۲۵)	۰/۸۶** (۵/۱۹)	۰/۰۰۲۰* (۲/۲۵)	۰/۰۲۲* (۲/۵۸)	۰/۰۶۰* (۲/۶۶)
رشد	-۰/۱۸** (-۴/۸۱)	-۰/۲۹*** (-۴/۳۵)	۰/۰۵۴*** (۵/۱۴)	-۰/۰۰۵*** (-۴/۸۲)	-۰/۰۲۵*** (-۴/۰۱)	۰/۰۶۵*** (۷/۱۴)
تغییر جریان نقدی	-۰/۰۰۴** (-۳/۹۶)	-۰/۲۸** (-۱۳/۸۵)	۰/۰۱۴** (۴/۱۰)	-۰/۰۰۵*** (-۱۳/۹۰)	-۰/۰۴۵*** (-۱۵/۰۰)	۰/۳۶*** (۱۱/۰۹)
Allowance	۰/۰۰۲ (۰/۲۳)	۰/۰۷۱* (۶/۹۵)	۰/۰۳۴** (۵/۰۹)	۰/۰۰۱*** (۴/۱۳)	۰/۱۳۰*** (۶/۱۵)	۰/۱۵۰*** (۸/۷۰)
دارایی پر ریسک	۰/۰۸۰** (۳/۸۳)	۰/۰۰۳* (۲/۲۱)	۰/۰۰۵** (۳/۳۷)	۰/۰۲۹** (۲/۶۹)	۰/۰۳۰*** (۳/۴۰)	۰/۳۳۴** (۶/۹۰)
اثرات سال و کشور	Y	Y	Y	Y	Y	Y
مشاهدات	۱/۰۶۶	۱/۰۶۶	۱/۰۶۶	۶۵۶	۶۵۶	۶۵۶
Adj. R <sup>2</sup>	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۳۵	۰/۳۰	۰/۳۱	۰/۳۲

آماره ی تی استواری ناهم واریانسی یا آماره ی Z داخل پرانتز است. معناداری در سطح ۱۰، ۵، و ۱ درصد به ترتیب با \*، \*\* و \*\*\* نشان داده می شود.

#### ۳-۴. آزمون های استحکام

آزمون های بیشتری انجام دادیم تا ببینیم نتایج قبلی ما برقرار است یا نه. ابتدا یک رگرسیون دقیق و پس از بحران را دوباره اجرا کردیم آیا بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ بر رابطه میان مشخصه های IBها و محافظه کاری حسابداری تأثیری داشته یا نه. بنابراین نظرات بلتراتی و شولتز (۲۰۰۹)، فالنبراک و شولتز (۲۰۱۱)، و فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳)

را در تقسیم نمونه به دو زیرنمونه متفاوت که دو دوره مختلف را پوشش می دهند، دنبال کردیم. اولین زیرنمونه دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۳ را پوشش می دهد. دومی دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۷ را پوشش می دهد. نتایج که در شجدول ۷ نمایش داده می شود نشان داد که رابطه میان مشخصه های هیئت مدیره و محافظه کاری حسابداری پیش و پس از بحران یکسان بود. مشخصه های هیئت مدیره IBها پیش از بحران مالی استانداردهای قوی اخلاقی را نشان می دهد که از شریعت ریشه می گیرد. وابستگی مداوم در دوره پس از بحران نشان دهنده راهنمایی مدام اخلاقی است و اینکه مشخصه ها و ویژگی های هیئت مدیره رفتار مدیران را شکل می دهد. سپس از دو معیار دیگر محافظه کاری حسابداری استفاده می کنیم. ابتدا از مدل پایه باسو (۱۹۹۷) استفاده می کنیم که وضعیتی را تعریف می کند که در آن اخبار بد آینده به صورتی مورد انتظار است که بازده کنونی سهام منفی باشد. با وجود استفاده گسترده از مدل باسو، اعتبار شریب زمانی بودن افتراقی آن مورد تردید بوده است (برای نمونه دیتریچ و همکاران، ۲۰۰۷؛ گیولی و هاین، ۲۰۰۰). با این حال برخی مطالعات جدید (مانند بال، کوثری، و نیکلایق، ۲۰۱۱؛ اترج و همکاران، ۲۰۱۲) مدل باسو را سودمند یافتند. دوم نظریه فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) در بکارگیری نظریه باسو را دنبال کردیم که بر پایه یک مدل باسو خاص سازمان است. برای ارزیابی هر سازمان، مدل باسو را برای هر بانک در مدت ۲۰۱۵-۱۹۹۳ اجرا می کنیم.

$$X_{i,t} = \beta_{1i} + \beta_{2i} D_{i,t} + \beta_{3i} R_{i,t} + \beta_{4t} D_{i,t} R_{i,t} + \varepsilon_i \quad (6)$$

که در آن  $i$  نشان دهنده بانک است،  $t$  به سال اشاره دارد،  $X$  درآمد است،  $R$  بازده و  $D$  یک متغیر ساختگی است که در صورتی که  $R$  کمتر از ۰ باشد برابر ۱ خواهد بود و در غیر این صورت برابر ۰ خواهد بود. این رگرسیون به این اشاره دارد که درآمدها چقدر به اخبار حساس هستند. حساسیت درآمد به اخبار خوب با  $\beta^3 i$  به دست می آید و حساسیت درآمد به اخبار بد با  $\beta^4 t + \beta^3 i$  به دست می آید. بنابراین رابطه میان حساسیت درآمد به اخبار بد و اخبار خوب با معادله زیر نشان داده می شود.

$$\text{Coefficient}_{\text{Basu}} = (\beta_{3i} + \beta_{4i}) / \beta_{3i} \quad (7)$$

که در آن هرچه ضریب باسو بیشتر باشد، بانک محافظه کارتر است (فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۳). جدول ۸ رابطه میان مشخصه های هیئت مدیره IBها و محافظه کاری حسابداری را با استفاده از دو معیار دیگر نشان می دهد. نتایج ما در جدول ۸ همراستا با نتایج گزارش شده در جدول ۶ است.

## ۵. نتیجه گیری

ما رابطه بین حاکمیت شرکتی و محافظه کاری حسابداری در بانکداری اسلامی را بررسی کردیم. به طور خاص، ما بررسی می کنیم که آیا بانک های اسلامی نسبت به بانک های متعارف در شیوه های حسابداری محافظه کارتر هستند. ما همچنین به بررسی این موضوع می پردازیم که آیا ویژگی های هیئت مدیره بانک های اسلامی بر محافظه کاری حسابداری تاثیر می گذارد. مطالعه ما به ادبیات موجود در رابطه بین حاکمیت شرکتی و اطلاعات حسابداری کمک می کند. علاوه بر این، ما به ادبیات در حال رشد بانکداری اسلامی و تاثیر آن بر کیفیت اطلاعات حسابداری کمک می کنیم. ما شواهدی ارائه می دهیم که بانک های اسلامی در شیوه های گزارشگری مالی خود محافظه کارتر از بانک های متعارف هستند. مکانیسم های حاکمیت داخلی بانک های اسلامی با قوانین و آیین نامه های خرد و کلان گسترده ای برای ایجاد و تقویت جنبه های اخلاقی و معنوی فرآیندهای گزارشگری، مواجه هستند.

جدول ۸. تأثیر ویژگی های هیئت مدیره بانک های اسلامی بر محافظه کاری حسابداری با استفاده از دو معیار محافظه کاری حسابداری متفاوت

Table 8: Current strategies

متغیر	(۱) Basu's	(۲) Coefficient_Bassu
اندازه هیئت مدیره	۰/۴۳** (۴/۹۴)	۰/۲۱*** (۷/۱۳)
استقلال هیئت مدیره	۵/۳۰*** (۵/۹۲)	۰/۵۴** (۵/۷۴)
شهرت هیئت مدیره	۴/۴۴** (۴/۴۰)	۰/۰۳۱*** (۴/۲۷)
دوره تصدی هیئت مدیره	۰/۵۵*** (۳,۳۳)	۰/۷۵*** (۷/۹۹)
تنوع سنی هیئت مدیره	۰/۷۷** (۰/۸۸)	۰/۰۶۱*** (۲/۸۱)
تنوع جنسیتی هیئت مدیره	۰/۰۲۹*** (۵/۰۵)	۰/۰۵۱*** (۴/۳۷)
اندازه بانک	۰/۵۵** (۴/۹۴)	۰/۰۳۳ (۲/۱۱)
رشد	۰/۱۹** (۰/۳۳)	۰/۰۳۳ (۲/۰۹)
تغییر جریان نقدی	۱۱/۵۱** (۸/۸۱)	۰/۳۲۹ (۰/۳۷)
Allowance	۴/۴۴ (۱/۰۴)	۰/۰۷۳ (۵/۲۲)
دارایی پر ریسک	۰/۶۶** (۷/۷۷)	۰/۰۲۲ (۳/۵۵)
اثرات سال و کشور	Y	Y
مشاهدات	۱/۵۵۶	۱/۵۵۶
Adj. R <sup>2</sup>	۰/۴۲	۰/۳۹

آماره ی تی استواری ناهم واریانسی یا آماره ی Z داخل پراختز است. معناداری در سطح ۱۰، ۵ و ۱ درصد به ترتیب با \*، \*\* و \*\*\* نشان داده می شود.

ما شواهد تجربی پیشنهادی را مستند می کنیم که نشان می دهد شریعت، ساختار داخلی هیئت مدیره و نسبت مدیران غیراجرایی تأثیر مثبتی بر محافظه کاری حسابداری دارند و بر توانایی هیئت مدیره برای نظارت بر مدیریت ارشد تأثیر می گذارد. به عبارت دیگر، شریعت بر فرآیند محافظه کاری حسابداری تأثیر می گذارد و به بانک های اسلامی نشان می دهد که استانداردهای اخلاقی بالاتری داشته باشند. این استانداردهای اخلاقی بالاتر مکمل رابطه مثبت میان حاکمیت داخلی موثر مانند شهرت، مدت تصدی، تنوع هیئت مدیره، و نظارت بر مدیریت و نظارت بر مدیریت است که در

حسابداری محافظه کار به نظر می رسد. در حالی که دستکاری حسابداری نتیجه یک خواست برای تاثیر گذاری بر انتقال ثروت میان ذینفع های مختلف است. برابر نظر کوتاینه و همکاران (۲۰۱۳) CBها مشوق های مختلفی برای درگیر شدن در مدیریت درآمد دارند، مانند کاهش هزینه های سیاسی، محدود کردن نسبت بدهی به دارایی، و افزایش پاداش مدیریت و از بین بردن ارزش سهامدار.

پژوهش ما الزامات مختلفی برای قانون گذاران، مدیران شرکت، و هیئت مدیره دارد. برای قانون گذاران، محافظه کاری حسابداری را باید یک ابزار تنظیمی احتیاطی اضافی برای کاهش اقدامات مدیریت و بنابراین بهبود کیفیت گزارش های مالی دانست. مدیران شرکت می توانند شیوه های محافظه کارانه حسابداری را برای اجتناب از هر خطای مالی آتی و رفع خطرات در نتیجه حذف گزارش های مالی گمراه کننده اعمال کنند. بای هیئت مدیران، ارتقا مشخصه های خاصی از هیئت مدیران باید هزینه های سازمان را کاهش دهد و بازدهی کلی شرکت را بهبود بخشد. محدودیت اصلی این پژوهش بر دو موضوع است. اول بخاطر این که نسبت بدهی به دارایی یک موضوع معمول تعریف می شود، محتمل است که بانک های اسلامی بخاطر ماهیت دارایی های آنها و تامین مالی وام های آنها در مقایسه با بانک های تجاری محافظه کارتر باشند. تراکش های بانک های اسلامی برخلاف بانک های تجاری بر مبنای تامین مالی دارایی است و این واقعیت خطر اعتباری کمتری دارد، که با شریعت تطابق دارد. دوم، محافظه کاری احتمالی دیگر رتبه بندی نسبی بانک های مختلف در نمونه است. بنابراین پژوهش احتمالی آینده تاثیرات نسبت بدهی به دارایی و رتبه بندی های نسبی بانک ها روی محافظه کاری حسابداری را بررسی خواهد کرد.

#### منابع و مآخذ

1. Abdullah, W. A. W., Percy, M., & Stewart, J. (2014, December). Corporate governance disclosure practices of Islamic banks: The case of Islamic banks in the Southeast Asian and the Gulf Cooperation Council region. *In Journal of International Accounting Research (JIAR) conference*.
2. Abdul-Manaf, K. B., Amran, N. A., & Zainol-Abidin, A. (2014). Board size and accounting conservatism of Malaysian listed firms. *Australian Journal of Basic and Applied Sciences*, 8(23), 207–211.
3. Abrahamson, E., & Park, C. (1994). Concealment of negative organizational outcomes: An agency theory perspective. *Academy of Management Journal*, 37(5), 1302–1334.
4. Adams, R., & Mehran, H. (2003). Is corporate governance different for bank holding companies? *Economic Policy Review*, 9, 123–142.
5. Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2007). Evidence on the role of accounting conservatism in corporate governance. *Journal of Accounting and Economics*, 43, 411–437.
6. Ahmed, K., & Henry, D. (2012). Accounting conservatism and voluntary corporate governance mechanisms by Australian firms. *Accounting and Finance*, 52(3), 631–662.
7. AlAbbad, A. (2016). Accounting conservatism in Islamic banking. *International Review of Accounting, Banking and Finance*, 8(1), 32–53.
8. Almutairi, A. R., & Quttainah, M. A. (2017). Corporate governance: Evidence from Islamic banks. *Social Responsibility Journal*, 13(3), 601–624.
9. Al-Sadah, A. K. I. (2007). *Corporate governance of Islamic banks, its characteristics and effects on stakeholders and the role of Islamic banks supervisors*. (Doctoral dissertation). University of Surrey, Guildford, England.

10. Anderson, R. C., Mansi, S. A., & Reeb, D. M. (2004). Board characteristics, accounting report integrity, and the cost of debt. *Journal of Accounting and Economics*, 37(3), 315–342.
11. Andreou, P. C., Cooper, I., Louca, C., & Philip, D. (2017). Bank loan loss accounting treatments, credit cycles and crash risk. *The British Accounting Review*, 49(5), 474–492. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2017.03.002>
12. Archer, S., & Abdel Karim, R. A. (2009). Profit-sharing investment accounts in Islamic banks: Regulatory problems and possible solutions. *Journal of Banking Regulation*, 10(4), 300–306.
13. Arjoon, S. (2005). Corporate governance: An ethical perspective. *Journal of business ethics*, 61(4), 343–352.
14. Askary, S., Pounder, J. S., & Yazdifar, H. (2008). Influence of culture on accounting uniformity among Arabic nations. *Education, Business and Society: Contemporary Middle Eastern Issues*, 1(2), 145–154. <https://doi.org/10.1108/17537980810890329>
15. Ball, R., Kothari, S. P., & Nikolaev, V. V. (2011). On estimating conditional conservatism. *The Accounting Review*, 88(3), 755–787.
16. Ball, R., Robin, A., & Wu, J. C. (2003). Incentives versus standards: Properties of accounting income in four eastern Asian countries. *Journal of Accounting and Economics*, 36, 235–270.
17. Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in U.K. private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting & Economics*, 39, 83–128.
18. Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24, 3–37.
19. Beasley, M. S. (1996). An empirical analysis of the relation between the board of director composition and financial statement fraud. *The Accounting Review*, 71(4), 443–465.
20. Beatty, A., Berger, P. G., & Magliolo, J. (1995). Motives for forming research & development financing organizations. *Journal of Accounting and Economics*, 19(2), 411–442.
21. Beaver, W. H., & Ryan, S. G. (2000). Biases and lags in book value and their effects on the ability of the book-to-market ratio to predict book return on equity. *Journal of Accounting Research*, 38(1), 127–148.
22. Beaver, W. H., & Ryan, G. S. (2005). Biases and lags in book value and their effects on the ability of the book-to-market ratio to predict book return on equity. *Journal of Accounting Research*, 38, 127–148.
23. Becht, M., & Barca, F. (2001). *The corporate control in Europe*. Chicago, IL.
24. Beekes, W., Pope, P., & Young, S. (2004). The link between earnings timeliness, earnings conservatism and board composition: Evidence from the UK. *Corporate Governance: An International Review*, 12, 47–59.
25. Beekun, R. I. (1996). *Islamic business ethicst*. Herndon, VA: International Institute of Islamic Thought.
26. Beltratti, A., & Stulz, R. M. (2009). Why did some banks perform better during the credit crisis? *Across-country study of the impact of governance and regulation* (No. w15180). Chicago: National Bureau of Economic Research.

27. Berberich, G., & Niu, F. (2011). *Director business, director tenure and the likelihood of encountering corporate governance problem* (Working Paper). Wilfrid Laurier University. Fahlenbrach.
28. Birnbaum, P. (1984). The choice of strategic alternatives under increasing regulation in high technology companies. *Academy of Management Journal*, 27(3), 489–510.
29. Blau, P. M. (1977). *Inequality and heterogeneity: A primitive theory of social structure* (Vol. 7). New York, NY: Free Press.
30. Bonini, S., Deng, J., Ferrari, M., & John, K. (2015). *Til death do us part: The long tenured directors' puzzle* (Working Paper). Stevens Institute of Technology, New York University, University of Modena.
31. Boussaid, N., Hamza, T., & Sougne, D. (2015). Corporate board attributes and conditional accounting conservatism: Evidence from French firms. *Journal of Applied Business Research*, 31(3), 871.
32. Burgstahler, D., & Dichev, I. (1997). Earnings management to avoid earnings decreases and losses. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 99–126.
33. Cadbury, A. (1992). *Report of the committee on the financial aspects of corporate governance* (Vol. 1). Gee.
34. Callen, J. L., Segal, D., & Ole-Kristian, H. (2010). The pricing of conservative accounting and the measurement of conservatism at the firm-year level. *Review of Accounting Studies*, 15, 145–178.
35. Campbell, K., & Minguez Vera, A. (2010). Female board appointments and firm valuation: Short and long-term effects. *Journal of Management and Governance*, 14(1), 37–59.
36. Campbell, K., & Minguez-Vera, A. (2008). Gender diversity in the boardroom and firm financial performance. *Journal of Business Ethics*, 83(3), 435–451.
37. Caprio, G. Jr., & Levine, R. (2002). *Corporate governance in finance: Concepts in International observations* (Working Paper).
38. Carretta, A., Farina, V., & Schwizer, P. (2017). Risk culture and banking supervision. *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 25(2), 209–226.
39. Carretta, A., Fiordelisi, F., & Schwizer, P. (2017). *Risk culture in banking*. Springer.
40. Carter, D. A., D'Shasanouza, F., Simkins, B. J., & Simpson, W. G. (2010). *The diversity of corporate board committees and financial performance* (Working Paper).
41. Chaganti, R., Mahajan, V., & Sharma, S. (1985). Corporate board size, composition and corporate failures in retailing industry. *Journal of Management Studies*, 22(4), 400–417.
42. Chatfield, M. (1996). Conservatism. In *The history of accounting: An international encyclopedia* (1st ed., pp. 160–166). New York, NY: Garland Science.
43. Chen, C., Hu, Y., & Lin, K. (2013). *Accounting conservatism and corporate investment decisions: Evidence from a structural assessment* (Working Paper).
44. Chen, C. J. P., & Jaggi, B. (2000). Association between independent nonexecutive directors, family control and financial disclosures in Hong Kong. *Journal of Accounting and Public Policy*, 19(4-5), 285–310.

# Investigation of Accounting Ethics and Conservatism in Islamic Banks

Mahdi Mirmasoumi<sup>\*1</sup>

## Abstract

This research investigates whether Islamic banks are more likely than conventional banks to be conservative in their financial reporting, and also how the unique corporate governance system of Islamic banks affects conservative accounting behaviors. Gives. Using a large sample of Islamic banks and non-Islamic banks according to them; Based on total assets and geographic location in 15 countries, we find that Islamic banks are more likely to extend accounting conservatism through loss avoidance, unusual loan loss provisioning, and C-score, respectively. Depending on the characteristics of different banking models, Islamic banks are about 95% more likely to be more conservative in accounting practices than conventional banking. In addition, several board characteristics such as size, independence, reputation, ownership (employment) and diversity are important determinants of accounting conservatism in Islamic banks. This relationship shows that the specific characteristics of the board of directors lead to a more supervisory role, as a result of reducing unethical behavior and increasing the level of conservatism in accounting practices.

## Keywords

Accounting, Ethics, Bank, Conservatism

1. MSc., Department of Accounting, Shamim Danesh Novin Institute of Higher Education, Ardabil, Iran.

## ۶. پیوست: تعریف متغیرها

معیارهای محافظه کاری حسابداری	
زیان گریزی	شاخصی که اگر بانک ROA کوچک (درآمد قبل از مالیات تقسیم شده به کل دارای ها) بین ۰ و ۰/۰۱ داشته باشد برابر ۱ است، در غیر این صورت زیان گریزی برابر صفر است.
LLP غیر عادی	مقدار مطلق باقیمانده از معادله ۱
امتیاز C	خان و واتز (۲۰۰۹) بر اساس مدل باسو (۱۹۹۷) اندازه گیری می کنند.
باسو	معیار باسو (۱۹۹۷).
ضریب باسو	معیار فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳).
متغیرهای مستقل	
اسلامی	یک متغیر دودویی که اگر شرکت یک IB باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر ۰ است.
اندازه هیئت مدیره	تعداد کل مدیران در حال خدمت در هیئت مدیره
استقلال هیئت مدیره	مدت میانگین تصدی همه مدیران بیرونی تقسیم بر مدت کل تصدی همه مدیران عضو هیئت مدیره
شهرت هیئت مدیره	یک متغیر دودویی که اگر یک مدیر مستقل هیئت مدیره در هیئت بیش از سه شرکت دیگر عضو بوده باشد برابر ۱ است.
مدت تصدی هیئت مدیره	تعداد سال های نشست سالیانه منهای سال آغاز مدیریت منهای هر توقف در خدمات مدیریتی.
تنوع در هیئت مدیره (سن، جنسیت)	$1 - \sum_{i=1}^S P_i^2$ که در آن S تعداد دسته بندی ها و p کسری از مدیران است که به دسته i تعلق دارند.
متغیرهای کنترل	
رشد	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازاری یک دارایی از ابتدا تا انتهای سال y.
اندازه بانک	لگاریتم طبیعی دارایی های کل در پایان سال
بدهی	تعهدات کل تقسیم بر دارایی کل
تغییر جریان وجوه نقد	تغییر در جریان وجوه نقد (درآمد از مالیات و ذخیره های زیان وام) در طول سال t منهای دارای های کل اولیه.
Allowance	اندوخته زیان کل وام در انتهای سال t تقسیم بر دارای های کل در ابتدای سال t
دارایی های پرریسک	ریسک کل دارایی ها تقسیم بر دارایی های کل در ابتدای سال t.
LLP	جزء عادی یا احتیاطی ذخیره زیان وام
Beglla	تراز اولیه تخفیف زیان وام
تغییر وام	تغییر در کل وام های پرداخت نشده
NPL	وام های اجرا نشده
IndNPL	یک متغیر شاخص که اگر مقدار NPL مشخص نباشد برابر ۱ و در غیر این صورت ۰ است.
کشور	متغیر شاخص برای تاثیرات کشور
سال	متغیر شاخص برای تاثیرات سال